



صفحه ۳

چرا نباید در انتخابات شرکت کرد؟

اعتراضات سراسری کارگران و چند نکته پیرامون آن

کارگری که اوضاع و تحرکات کارگری در این مراکز را از نزدیک تعقیب میکند، همواره براین تلاش اند تا مسائل کارگری طبق توصیه های دولت و کارفرمایان حل و فصل شود و اوضاع به اینجا کشیده نشود. اهم وظیفه این تشکلهای اپنیست که با نفوذ در میان کارگران و پیش از آنکه خشم و اعتراض کارگری سرریز شود و بصورت یک آکسیون مشخص اعتراضی در آید، تدابیری به منظور آرام سازی محیط های کارگری بیاندیشند. فرضاً پیشوان و فعالیت کارگری را شناسائی کنند، تحرکات کارگری را کنترل کنند و خلاصه برای محدود ساختن عمق و دامنه مبارزه کارگران، ترقه های دست و پیا کنند. سالهای است که برهمین مبنای عمل شده

صفحه ۴

فشارهای اقتصادی و سیاسی طاقت فرسا بر دوش طبقه کارگر درحال افزایش است. تعطیل و توقف پی در پی کارخانه ها و موسسات تولیدی، ادامه اخراج ها و بیکارسازیها، عدم تضمین شغلی و درکنار یتها محدودیتها و فشارهایی که سازمان به اصطلاح تامین اجتماعی بر کارگران اعمال میکند، این وضعیت مشقت بار را به حالت انفجار نزدیک ساخته است. کارگران ایران از اوضاع و خامت بار کنوی به شدت ناراضی و نسبت به آن مفترض اند. همینکه منفذ و باریکه کوچکی برای ابراز اعتراض و نشان دادن نارضایتی آنها پیدا شود، خشم تراکم یافته و اعتراض فروکوفته کارگری همچون آتششان از آن منفذ و باریکه به فوران در می آید. تشکلهای وابسته به حکومت در محیط های

قرنی که گذشت و قرنی که در پیش است

قرن بیست به پایان رسید. این قرن یکی از دوره های فوق العاده ملاطمه و متحول در تاریخ بشریت بود. جوانب مثبت و منفی روی دادهای اجتماعی و سیاسی قرن بیست همگی، ابعادی غول آسا داشتند. عظیم ترین نبردهای طبقاتی تمام دوران بشریت برای برآفکدن استثمار، ستم و نظام طبقاتی در این قرن در مقایسه جهانی رخ داد و عظیم ترین فجایع و مصائب اجتماعی نیز که طبقه حاکم ستمگر عصر کنونی به بار آورد در همین قرن به وقوع پیوست. تلاطم شدیدی که قرن بیست با آن روبرو بود برخاسته از تضادهای لینجل و مهارناپذیری است که نظام سرمایه داری در واپسین لحظات حیات خود در چنگال آنها گرفتار است. قرن بیست هنگامی آغاز گردید که سرمایه داری جهانی به مرحله انحصار گام نهاد و دوران سیاست انحصارات آغاز گردید. این تحول در نظام سرمایه داری به همراه خود حادترین تضادها و کشمکش های عصر کنونی را به بار آورد. عصری که بازترین مختصات آن جنگ و انقلاب بود.

توخش و بربریتی که نظام سرمایه داری در این قرن از خود نشان داد، هرگز در تاریخ بشریت در این ابعاد سابقه نداشت. منازعه انحصارات و قدرت‌های امپریالیست جهان برای تجدید تقسیم جهان و کسب سیاست جهانی بدوجنگ و پیرانگر بین المللی در این قرن انجامید. در جریان جنگ جهانی اول و دوم دهها میلیون انسان، قربانی مقاصد آزمدنانه، توسعه طلبانه و جنایتکارانه سرمایه داران شدند. جنگ جهانی دوم که فجایعی بمراتب عظیم تر از جنگ جهانی اول به بار آورد، وحشی گری امپریالیسم آمریکارا در استفاده از بمب اتم علیه مردم بی دفاع دو شهر ژاپن که به خاکستر تبدیل شدند، نشان داد. اما جنگ های امپریالیستی به جنگ های جهانی محدود نبود. قدرت های امپریالیست جهانی بخاطره اهداف توسعه طلبانه خود صدها جنگ منطقه ای را در گوش و کنار جهان برآوردند و میلیونها انسان را در این جنگها از پای درآورند. امپریالیستها در این قرن کثیف ترین جنگ ها را علیه مردم مستعمرات و جنبش های رهایی خش ملی آنها برآه اندختند و به قلع صفحه ۲

در این شماره

| | |
|-------------------|--------------|
| یادداشت‌های سیاسی | صفحه ۱۶ |
| اطلاعیه ها | صفحات ۲ و ۱۲ |
| اخبار کارگری جهان | صفحه ۱۱ |
| اخبار از ایران | صفحه ۹ |

«انتخابات» مجلس و

«چپ» هائی که از انقلاب روی بر می تابند!

صفحه ۵

از میان
نشریات



تظاهرات زحمتکشان چهاردانگه اسلام شهر

اهمی زحمتکش چهار دانگه که تحت فشار دستگاههای دولتی از جمله شهرداری های مناطق ۱۸ و ۱۹ قراردادن و از هرگونه امکانات اولیه زیستی و رفاهی، محروم‌اند، امروز دوشنبه دست به تظاهرات رهائی مداخله نیروهای سرکوب برخشم مردم افزود. مردم خشمگین مراکز و ادارات دولتی را مورد حمله قراردادند و جاده ساوه به اسلام شهر را به مدت چهار ساعت مسدود نمودند. رژیم با کسیل نیروهای امدادی نیز توانست مردم را آرام کند. چند تن از مقامات دولتی در اجتماع آنها حضور یافتند و قول دادند که هرچه سریعتر به خواستهای آنها رسیدگی شود. از تعداد کسانی که دستگیر شده‌اند اطلاعی در دست نیست. سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم زحمتکش چهار دانگه را محکوم می‌کند و از مطالبات رفاهی آنها حمایت می‌کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقراریاد حکومت شورائی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۸/۱۰/۱۳

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

که بهر حال به قدرت سیاسی و نظامی یکی از قدرتهای امپریالیست متفکی هستند، برای شکست رقبای خودوتخیر بازراهای جدید با حادترین تضادها روبرو هستند. این تضادهای قدرتهای امپریالیست و انحصارات جهانی که پیوسته تشدید می‌شوند، همچنان جهان را با خطر جنگ‌های ویرانگر روپرتو ساخته‌اند. راهی برای حل مجموعه این تضادها درچارچوب سرمایه داری وجود ندارد. حل این تضادها و بحران‌های مدواومی که نظام سرمایه داری با آنها روبرو است با سرنگونی این نظام میسر است. تنها سوسیالیسم به عنوان بدیل سرمایه داری میتواند پیشریت را از اشرح صفات نظام سرمایه داری و تضادهای آن نجات دهد. تردی نیست که قرن بیست و یکم با تبدیلهای طبقاتی عظیم تری برای سرنگونی نظام سرمایه داری و بنی‌آتماعی از انسانهای آزاد و برابر همراه خواهد بود. تنها سوسیالیسم میتواند بن بستی را که نظام سرمایه داری در برابر بشدت قرار داده است درهم بشکند. مبارزه برای سوسیالیسم ادامه خواهد یافت.

برابری حقوق درسراسرجهان و تا تبدیل شدن آن به یک برابری راستین راهی دراز در پیش است. اما به رسمیت شناخته شدن همین حق در تعدادی از کشورهای جهان دست آورد بزرگی برای زنان در این قرن بود.

قرن بیست، قرن بیداری ملت‌های تحت ستم و در بند و مبارزه آنها برای رهائی ازیوغ ستم ملی و امپریالیستی بود. در این قرن برغم تمام وحشی گری‌ها و سرکوب‌های قدرتهای استعمارگر و امپریالیست، مردم کشورهای مستعمره و عربیان مستعمره از طریق جنبش‌ها و انقلابات رهائی بخش ملی، نظام مستعمراتی را درسراسرجهان درهم کوبیدند و به استقلال سیاسی دست یافتند.

بنابراین برغم اینکه نظام سرمایه داری هنوز پا بر جا مانده است، دست آوردهای بشریت در این قرن نیزکم نبوده است. معهداً دقیقاً به این علت که نظام سرمایه‌داری با تمام تضادها، ستمگری ها و مصائب اش همچنان باقی است، قرن بیست و یکم و رویدادهای اجتماعی و سیاسی آن نیاز همین تضادها سرمنشا خواهند گرفت. امروزه در حالی که رشد غول آسای نیروهای مولده و پیشرفت‌های عظیم علمی – تکنولوژیک در کشور های پیشرفت سرمایه داری، تولید ثروت را به چنان ابعادی رسانده که تمام اعضای جامعه می‌توانند در رفاه و خوشبختی زندگی کنند و استعدادهای خود را همه جانبی تکامل بخشنده، مناسبات سرمایه داری موجود، اکثریت بسیار عظیم جامعه یعنی کارگران را محکوم به استثمار و حشیانه و زندگی مشقت بار نموده است.

پیشرفت های علمی و تکنیکی، و رشد بارآوری کار به جای این که در خدمت رفاه جامعه باشد، بهایزاری در دست سرمایه داران برای تشدید استثمار کارگران و بیکاری میلیون‌ها انسان انجامیده است. در حالی که اینو ه ثروت های جامعه درست گروهی معدود از سرمایه داران انگل متمنکر شده است، اکثریت عظیم جامعه با دستمزدی که حداقل معیشت آنها را تامین می‌کند، زندگی خود را می‌گذراند. تضاد فقر و ثروت ابعادی و حشتناک بخود گرفته است. این تضادها نمی‌توانند مدتی طولانی دوام آورند. مبارزه طبقه کارگر برای برانداختن استثمار و بی عدالتی های جامعه موجود تشید خواهد شد، و این بار نبردهای طبقاتی در ابعادی سهم گین تراز قرن بیست رخ خواهد داد.

قدرت‌های امپریالیست جهان با غارت و چاپاول و استثمار و حشیانه ملل کوچک و ضعیف، میلیونها انسان را در بخش عظیمی از جهان در فقر و بدبختی هولناکی قرارداده اند. جهان به کشور های فقیر و غنی، بدھکار و پستانکار، باصطلاح شمال و جنوب تقسیم شده است. این تضاد هر روز ابعاد وسیع تری به خود می‌گیرد و مبارزه کارگران و زحمتکشان این کشورها را برای برانداختن نظم موجود شدت خواهد بخشید. قدرتهای امپریالیست جهان، امروز نیز همانند اوائل قرن بیست برای ترقی خود تلقیم مجدد جهان و قبضه بازارهای وسیع تر برای خود تلاش می‌کنند. قدرت های امپریالیست درگیر تضادها و رقابت های شدیدی هستند. انحصارات فرامیانی

قرنی که گذشت و قرنی که در پیش است

و قمع بیرحمانه این مردمان پرداختند. قدرتهای امپریالیست جهان برای مقابله با جنبش کارگری و بحرانهای عمیق نظام سرمایه داری، عربیان ترین، خشن ترین و وحشیانه ترین دیکتاتوری های فاشیستی و نازیستی را در این قرن ایجاد کردند و سگهای نزجدی فاشیست خود را به جان کارگران اداختند. آنها برای حفظ منافع غارت گراند خود در کشورهای وابسته و تحت سلطه صدها کودتای نظامی راسازمان دادند و رژیمهای سرکوبگر و خون‌آشامی را به مردمان این کشورها تحمیل نمودند. امپریالیست ها یا چپاول و غارت ثروت این کشورها و حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان، آنها را به فقر و عقب ماندگی سوق دادند. جنایات نظام سرمایه داری در این قرن نظیر نداشتند. اما اگر قرن بیست با این فجایع عظیم سرمایه داری، جنگ، کشتار، جنایت، استثمار، ستمگری، میلیاریسم، سرکوب کارگران، فقر، بیکاری، گرسنگی میلیونها انسان درکشورهای عقب مانده مشخص می‌شود، وجوده متمایز کننده دیگری نیز در این قرن وجود داشت. قرن بیست، دوران اعتلاً پردازند جنبش طبقه کارگر درسراسرجهان، دوران انقلابات کارگری برای سرنگونی نظام سرمایه داری و ایجاد دنیائی نوین و انسانی، تهی از ستم، استثمار، فقر، جنگ و نابارا برای بود. طبقه کارگر در این قرن عظیم ترین نبردهای طبقاتی را برای سرنگونی سرمایه داری و ایجاد سوسیالیسم سازمان داد. طبقه کارگر توانست در برخی از کشورها قدرت را به دست بگیرد. بر تارک انقلابات اجتماعی قرن بیست، انقلابات سوسیالیستی شوروی قراردادشت که الهام بخش جنبشهای عظیم کارگری بود. هر چند که این انقلابات از پای در آمدند و نتوانستند اهداف خود را عملی سازند، اما تاثیرات بسیار شگرفی بر جهان معاصر بر جای گذاشتند. زیر فشار این انقلابات و جنبش طبقه کارگر درسراسرجهان، بورژوازی جهانی ناگزیر به عقب نشینی در برخی زمینه ها شد و دست کم در پیشرفت ترین کشورهای سرمایه داری مجبور شد پاره ای از مطالبات سیاسی، اجتماعی و رفاهی طبقه کارگر و توده مردم را که در چارچوب نظام سرمایه داری تحقق آنها ممکن است، بپذیرد.

قرن بیست همچنین شاهد جنبشهای عظیم زنان بود که کرسی نشاندن برای برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان با مردان بود. این جنبش زنان که از حمایت و پشتیبانی قاطع جنبش کارگری برخوردار بود، بورژوازی را لائق درکشورهای پیشرفت تر سرمایه داری مجبور ساخت که رسمًا برابری حقوق زن و مرد را بپذیرد. هر چند که هنوز تا به رسمیت شناخته شدن این

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتراض عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



چرا نباید در انتخابات شرکت کرد؟

کارگران و زحمتکشان! زنان ستمدیده! روشنفکران انقلابی! جوانان مبارز!

جارچیان رژیم ارتقای اسلامی تبلیغات وسیعی را حول انتخابات فرمایشی مجلس آغاز کرده‌اند. سران رژیم و همه جناح‌ها و گروه‌های طرفدار جمهوری اسلامی تربیتون‌های تبلیغاتی خود را برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی گیری به کار اندخته‌اند. هریک از باندهای درون هیئت حاکمه از «سرنوشت ساز» بودن این باصطلاح انتخابات سخن می‌گوید. گروه‌های طرفدار خاتمی این بار وعده‌های عملی نشده خود را به پیروزی برجنایح رقیب در انتخابات مجلس موکول می‌کنند. اما تجربه ۲۱ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی و وعده‌های توخالی آقای خاتمی در همین انتخابات ریاست جمهوری اخیر، به همگان آموخته است که با وجود رژیم جمهوری اسلامی که تمام حقوق و آزادیهای مردم را از آنها سلب نموده است، نه انتخاباتی به معنای واقعی کلمه وجود خواهد داشت و نه این یا آن جناح از هیئت حاکمه می‌تواند اندک بهبودی جدی در اوضاع به نفع مردم و مطالبات آنها ایجاد کند. نزدیک به ۳ سال از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری گذشت. در آن هنگام که وی هنوز به قدرت نرسیده بود، طیف وسیعی از حامیان نظم ستمگرانه موجود در ایران، تبلیغات گستره‌ای را در میان مردم برای انداختند و گفتند که اگر او انتخاب شود، اوضاع تغییر خواهد کرد و مطالبات مردم مستحق خواهد شد. اما اکنون پس از گذشت نزدیک به سال از انتخاب وی، حالا بخش وسیعی از مردم ایران به خوبی پی برده اند که او هم مرتجلعی از قماش دیگر سران حکومت نظری خامنه‌ای و رفسنجانی است. در این مدت نه تنها هیچ بهبود جدی در وضعیت مردم و تحقق مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و رفاهی آنها صورت نگرفت، بلکه از برخی جهات وضع به مراتب وخیم تر شد. گویا فراربود با انتخاب خاتمی، به مردم آزادی داده شود و جلو تعییمات ارگان‌های پلیسی و امنیتی گرفته شود. اما به جای همه اینها اختناق و سرکوب تشید شد. در همین دوره است که مأموران وزارت اطلاعات، مخالفین سیاسی رژیم را درخانه هایشان سربریدند. نویسنده‌گان آزادیخواه را در خیابان‌ها ربوتدند و بیبرخانه به قتل رساندند. صدها تن از مردم را در همین دوره به اتهامات سیاسی به جنس‌های طویل المدت محکوم کردند و به زندان انداختند. به دستور رئیس جمهور حکومت اسلامی که در رأس شورای عالی امنیت ملی است، جنبش حق طلبانه و آزادیخواهانه دانشجویان با بیحرمانی تمام سرکوب شد و صدها دانشجو دستگیر و به جلس و حتی اعدام محکوم شدند. گویا قراربود اندکی هم که شده فشار و سرکوب نسبت به زنان کاوش یابد، اما در عمل اقدامات سرکوب‌گرانه علیه زنان و تضییع حقوق آنها بیشتر شد. در همین دوره ریاست جمهوری خاتمی است که قوانین جدیدی علیه زنان در مجلس ارتقای نشان به تصویب رسید. البته طرفداران خاتمی ادعا می‌کنند که این قوانین در مجلسی به تصویب رسید که اکثریت آن با جناح دیگر است. اما آنها حقیقت را نمی‌گویند. گروهی از طرفداران همین جناح خاتمی در مجلس به این قوانین ارتقای رأی دادند. از این که بگذریم، اینها که هرگجا منافع جناحی شان اقتضا کند، مجلس را از اکثریت می‌اندازند و مانع تصویب پیشنهادات جناح رقیب می‌شوند، اگر مخالف این قوانین بودند، در آنجا هم می‌توانستند به همین شکل مانع تصویب آنها شوند. این حقایق نشان می‌دهند که جناح‌های هیئت حاکمه، از یک سرشت واحدند. همه یک مشت مرجع‌اند. آخر مگر می‌شود کسانی که به حکومت اسلامی، به رژیم کهنه پرستی و ارتقای، خرافات، بروبری قرون وسطانی و تبعیض آشکار معتقدند، کسانی که به تلفیق دین و دولت باوردارند، پاسدار نظم ستمگرانه حاکم‌اند و حرفة آنها همی و فریب مردم است، بخواهند یا بتوانند در جهت منافع مردم و خواست‌های آنها گام بردارند. بنابراین اگر انتخاب خاتمی تغییری به نفع مردم پدید نیاورد، بی هیچ تردیدی باید گفت که اگر طرفداران وی در مجلس ارتقای اسلامی نیز از اکثریت برخوردارشوند، بازهم تغییری در اوضاع به نفع مردم و در جهت تحقق مطالبات آنها صورت نخواهد گرفت. آنها عوام فربی می‌شوند و می‌خواهند بازهم با وعدد های توخالی‌شان تعدادی از مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشانند و فردا هم آنرا علیه خود مردم بکار ببرند و ادعا کنند که چندین و چند میلیون تن از مردم ایران طرفدار اسلامی هستند. بنابراین اگر انتخابات شرکت کنند از این گذشته در جمهوری اسلامی چیزی به نام انتخابات به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. در جایی که مردم از آزادی‌های سیاسی محروم‌اند، تشکل‌های سیاسی و صنفی واقعی مردم وجود ندارند و آنها نمی‌توانند افراد مورد اعتماد خود را کاندیدا و به آنها رأی دهند، چه بخشی از انتخابات می‌تواند در میان باشد. رژیم جمهوری اسلامی از طریق وزارت کشور و شورای نگهبان اش تعدادی از افراد مطمئن و وابسته به خود را دستچین می‌کند و بعد به مردم می‌گوید حالا شما مجازید از میان افرادی که من تائید کرده‌ام به کسانی رأی دهید. این انتخابات دولتی است، این یک انتخابات فرمایشی و قلابی است. در نهایت رقبتی میان دو گروه از مترجمین پاسدار حکومت اسلامی برسر سهم بیشتر از قدرت است. تقسیم قدرت میان «خودی‌ها» است. روشن است که این باصطلاح انتخابات، قلابی، فرمایشی و ضد دمکراتیک است و توده مردم ایران باید آنرا تحریم کند.

کارگران و زحمتکشان! زنان ستمدیده! روشنفکران انقلابی! جوانان مبارز!

به هیچکدام از جناح‌های هیئت حاکمه و وعده‌های آنها اعتماد نکنید. دست رد برسینه کسانی بزنید که منافع آنها در حفظ حکومت ارتقای اسلامی است و شارا دعوت به شرکت در انتخابات می‌کنند. انتخابات قلابی، فرمایشی و ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی را تحریم کنید. آگاه باشید که عدم شرکت شما در این باصطلاح انتخابات، شکست دیگری برای رژیم ارتقای و استبدادی حاکم برایران است. برای ایجاد یک حکومت واقعی دمکراتیک، برای تحقق مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و رفاهی خود، مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تشید کنید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقراریاد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقیلت)

دی ماه هزارو سیصد و هفتادو هشت

کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

اعتراضات سراسری کارگران و چند نکته پیرامون آن

ظاهراً انتظار اینهمه بی مهری از اربابان خود نداشتند. بسیاری از کارگران از جمله کارگران شهرستان ری با برپائی اجتماعات اعتراضی، نسبت به عدم صدور مجوز گرد هم آئی کارگران اعتراض کردند. در این تجمعات اعتراضی کارگران می پرسیدند چرا در عین آنکه جامعه کارگری با مشکلات و معضلات عدیدهای روپرورست اما هیچ گونه حق اعتراضی به آنها داده نمیشود؟ برگزاری تجمعات اعتراضی سراسری به روز ۲۸ آذر مذکول شد و در عین حال چانه زنی و تلاش برای مقاومت ساختن وزارت کشور برای صدور مجوز ادامه یافت. مضامفاً اینکه، گفتارهای اعتراضی و نصیحت آمیزی نیاز از سوی عناصر وابسته به تشکل‌های رژیمی نیز عنوان گردید.

یک عضو هیئت اجرائی خانه کارگر وضعیت کارخانجات را شدیداً "بحرانی" خواند و علناً از این وضعیت اظهار "نگرانی" کرد. وی در عین حال از تداوم رکود در کارخانجات، بحران بیکاری، اوضاع نابسامان و ادھاری تولیدی و از اینکه "امنیت شغلی" کارگران بطور "جدی" در معرض "نهید" قرار گرفته است و از اینکه قدرت خرید کارگران بسیار کاهش یافته است سخن گفت (کار و کارگر ۱۷ آذر) تا شاید دل اربابان را نرم کند. واقعیت‌های موجود و فشار کارگران از پائین جائی برای لاپوشانی حقایق توسط مدعيان دفاع از حقوق کارگر باقی نمی‌گذاشت و این موضوع روشن بود که کارگران نمیخواستند عقب نشینند. محظوظ‌گفت "اجتماع کردن ماهیت بدی ندارد که بخواهد منع شود و یا احتیاج به صدور مجوز خاصی داشته باشد" (کار و کارگر ۲۲ آذر). صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار گفت "کردهم آئی کارگران در روز ۲۸ آذر، یک اجتماع کاملاً" صنفی با اهداف صنفی است و جامعه کارگری در این گردهم آئی وفاداری خود به آرمانهای انقلاب، امام و مقام معظم رهبری و همچنین حمایت از رئیس جمهور را اعلام خواهد کرد" نامبرده اضافه کرد که بدین منظور از وزارت کشور در خواست مجوز شده است. او گفت که "در این لحظه در حال گفتگو برای کاستن افراد شرکت کننده هستیم!" (کار و کارگر ۲۴ آذر)، علاوه بر شوراهای اسلامی، نمایندگان انجمنهای اسلامی نیز مکرراً اعلام کردند که این تجمع صرفاً بمنظور برخی مطالبات صنفی است و از کارگران خواسته شده بود که این تجمع را بدوزار جو تشنیج برگزار نمایند.

گردانندگان تشکل‌های وابسته به رژیم، به این مخفتفی سعی کردند تا توجه مسئولین و دست اندکاران حکومتی را به موقعیت بحرانی کارخانه‌ها جلب کنند. آنان نه فقط مکرر در مکرر نسبت به نظام و رهبر حکومت و امثال آن اعلام وفاداری کردند و اطمینان دادند که هیچ مسئله خاصی اتفاق نمی‌افتد چرا که تشکلهای فراخوان دهنده مراقب اوضاع هستند و امتحان خود را پس داده اند، بلکه در عین حال فاش ساختند که این تشکل‌ها دیگر نمیتوانند با وعده و عید سرکارگران را شیره بمالند. بعنوان نمونه یکی

سخت و زیان آور شده اند که قبل از همه، مسئولین سازمان تامین اجتماعی با این خواست کارگران مخالفت کرده اند. افزون برابری ها،

مدت هاست که تلاش هایی به منظور واگذاری بیمارستانهای تامین اجتماعی و نیز برای تغییر و دست بردن در قانون کار به نفع کارفرمایان صورت میگیرد که مجموعه این اقدامات و تلاشها،

بر جو اعتراضی و نارضایتی در میان کارگران و محیط‌های کارگری به میزان بسیار زیادی افزوده است. شاخص‌های حسی رژیم در این

محیط‌ها، طبق معمول و به منظور جلوگیری از اقدامات اعتراضی کارگران ویادست کم انکاس چون از این رساند که حدت فشار و نارضایتی کارگری آن شدند تا در ملاقات و مذاکراتی با مسئولین سازمان تامین اجتماعی، راه مصالحه ای پیدا کنند و شاید آنان را به لغو برخی از بخش‌نامه های صادره راضی کنند. اما مسئولین مربوطه نه فقط از اقدامات خوبی کوتاه نیامدند، بلکه از آن دفاع کرده و متنکر شدند که کلیه تصمیمات و بخش‌نامه‌های این سازمان با قوانین جاری مطابقت دارد. سخنان رئیس کانون عالی شورا

های اسلامی کار مندرج در کار و کارگر ۲۴ آذر بخوبی پرده از ماهیت و تلاش این ارگان برپمی دارد. او در این مورد می‌گوید "قصد

اویله کارگران مقاومت نمودن سازمان از طریق مذاکرات و نامه نگاری‌ها انجام شده بود که متأسفانه پاسخ منطقی و قانونی از سوی مقامات

مسئول ارائه نشد، لذا تنبه‌راه باقیمانده، تجمع در برابر دفاتر سازمان تامین اجتماعی و جلب افکار عمومی است"

به دنبال آن بود که کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارستان تهران، فراخوان داد که کار

گران در سراسر ایران در روز ۱۵ آذر در برابر شعبیات سازمان تامین اجتماعی مجمع شوند و نسبت به محرومیت کارگران قراردادی و فصلی از دریافت مقری بیمه بیکاری و نیز عدم همکاری

مسئولین سازمان تامین اجتماعی درخصوص تصویب طرح بازنیستگی پیش‌ازمود اعتراض نمایند. آنان در عین حال در خواستی جهت

صدور مجوز برگزاری این حرکت به وزارت کشور فرستادند. مسئولین کانون در عین حال به وزارت کشور اطیان نمایند. آنان در بودند که اجتماع

نامایند. آن روزهای پیش از این صرفاً پاره ای مطالبات صنفی کارگران مطرح خواهد شد. نایب رئیس کانون در این رابطه می‌گوید

"ما به هیچ وجه قصد اخلاق و برهمن زدن نه فقط مقرری بیمه بیکاری کارگران را نداشته و خواهیم داشت و صرفاً" تلاش

داریم خواسته های صنفی و بحق کارگران را مطرح نمائیم" (کار و کارگر ۱۵ آذر) با این‌همه وزرات کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب آن با پرپایی این مراسم مخالفت کردند و در گفتگو

های بعدی چنین وانمود ساختند که وزرات کشور در صورتی با این قضیه موافق است که مراسم در خارج از شهر برگزار شود.

مخالفت وزرات کشور، نه فقط اعتراض توده کارگران را برانگیخت، بلکه موجب تعجب و اعتراف می‌شود. اینها که آنهمه خوش خدمتی کرده بودند،

است و شوراهای اسلامی کار و تشكیلات خانه کارگری‌ها جائی که از دست این مسئولیت در میان اهداف حکومت در محیط‌های کارگری و برای کنترل مبارزه و اعتراض کارگری جد و جهد کرده‌اند و در راستای آرام سازی کارگران و رسیدگی به مطالبات کارگری نیز مشتی دروغ و وعده تحویل آنان داده‌اند.

تجمعات اعتراضی سرتاسری اخیر کارگران در روز ۲۸ آذر ماه، برغم اعلام ممنوعیت آن از سوی وزارت کشور و به تبع آن اعلام لغو این

آسیون سراسری از سوی تشکل‌های وابسته فراخوان دهند، یکبار دیگر این حقیقت را به اثبات رساند که حدت فشار و نارضایتی کارگری به آنجا رسیده است که در زمینه کنترل و ممانعت

از مبارزه کارگری و گسترش آن دیگر از دست این تشکلهای وابسته و چشم و گوش های رژیم در محیط‌های کارگری نیز کاری ساخته نیست.

جزیان اعتراض سراسری اخیر کارگران را از نزدیک مورد بررسی قراردهیم.

تلاش شوراهای اسلامی کار

جهت کنترل و به

مصالحه کشاندن مبارزات کارگران

طبقه کارگر ایران در شرایط بسیار دشواری بسر می‌برد. به دلیل تشدید فشار بر کارگران وجود مشکلات عدیده ای از ناحیه اخراج های وسیع، رواج گستردۀ تر قراردادهای موقت کار در رسال

جاری، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و زدن از حقوق و مزایای کارگری، جو اعتراض و نارضایتی در محیط‌های کارگری بسیار بالاست.

پاره‌ای اقدامات و تصمیمات دستگاه‌های حکومتی در زمینه مسائل کارگری از اوائل سال جاری،

در براین جو اعتراض و نارضایتی دامن زده است. سازمان تامین اجتماعی طی ابلاغ بخش‌نامه ای به شعبات این سازمان در سراسر کشور،

اعلام کرد که مقرری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی از اول سال ۷۸ پرداخت نشود. با

توجه به رواج بسیار وسیع قراردادهای موقت کارگران بسیار آرام خواهد بود و در آن صرفاً ۸۹ روزه و سو استفاده کار فرمایان از این مسئله در اخراج ویا زدن و حذف کردن بسیاری از حق و حقوق کارگران، این موضوع،

نارضایتی شدیدی را در میان بخش زیادی از کارگران برانگیخته است. سازمان تامین اجتماعی نه فقط مقرری بیمه بیکاری کارگران را نداشته و خواهیم داشت و صرفاً

داریم خواسته های صنفی و بحق کارگران فصلی و قراردادی را نمی‌پردازد، بلکه در پرداخت این مقرری به کارگران اخراجی و بیکارشده دائمی نیز اختلالات و مشکلاتی ایجاد کرده است.

برطبق یکی دیگر از دستورالعمل‌های این سازمان، برخی دیگر از اقلام داروئی از لیست تعهدات بیمه‌ای این سازمان نیز حذف گردیده است و در همان حال فرانشیزی که توسعه داروخانه‌ها از

بیمه شدگان اخذ می‌گردد، به میزان پنج درصد اضافه شده است. از سوی دیگر هم اکنون مدت هاست که قشر بسیار وسیعی از کارگران خواستار بازنیستگی پیش از موعد در کارهای

«انتخابات» مجلس و «چپ» هائی که از انقلاب روی برمی‌تابند!

این حقیقتی است انکار ناپذیر که جنبش‌های اعتراضی وسیع توده‌ای را که در شرایط معین و برمن می‌پرسنند پیشنهاد مطالبات سیاسی و اقتصادی مشخص شکل می‌گیرند و جنبش اعتراضی دانشجویی اخیر را باید جز کوچک و مقدمه‌ای از این جنبش به حساب آورد، کسی نمیتواند نایبود کند و یاری همیشه متنقی سازد. این جنبش‌ها را البته میتوان با نفوذ در رهبری آن به انحراف و بخشش "بد مصالحه کشاند" و یا با خشونت تمام سرکوب کرد، همانطورکه فرضاً "جنبش اعتراضی دانشجویی و تظاهرات خیابانی اخیر و حشیانه سرکوب شد، اما تجریه شان داده است که با سرکوب هم نمیتوان از "شر" این جنبش‌ها خلاص شد. چرا؟ به این دلیل ساده که عوامل و دلالت اصلی بروزگران جنبش‌های همچنان پای بر جاست! با اینهمه باید دید مقصود نویسنده از طرح این مسئله چیست و چه هدفی را دنبال میکند. نظریه اتحاد کار می‌نویسد "بخشی از حکومت و در راس آن گروه خاتمی نیز آینده نظام را متفمن تن دادن به ابتدائی ترین خواست‌های این جنبش می‌دانند."

معنی صریح این عبارات آن است که بخشی از حکومت اسلامی و بطور مشخص ترجیح خاتمی حاضر است به خواستهای جنبش آزادیخواهانه توده‌ای و لو ابتدائی ترین آنها و البته برای تضمین آینده نظام تن بدهد! در اینجا البته یک اشکال کوچک در کار نویسنده بوجود می‌آید. اشکال کار نویسنده اینست که بطور مشخص چیزی از این خواست‌ها بزرگان نمی‌آورد، نمیگوید جناح مورد نظر ایشان به کدام دسته از خواستهای جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه توده مردم از جمله خواستهای جنبش دانشجویی که در تظاهرات خیابانی بروزبان اعتراض کنندگان جاری شد، قرار است تن بدهد و چگونه می‌خواهد به آن جامه عمل بپوشاند؟ آیا این جناح می‌پذیرد که افسار زحمتکش و ستم کشیده مردم، تشکل‌های مستقل خود را بربا کنند؟ آیا آزادی تشکلهای کارگری و آزادی اعتضاب را می‌پذیرد؟ آیا آزادی بیان و اندیشه، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات و اعتراضات و امثال اینها را می‌پذیرد؟ آیا برابر حقوقی زن و مرد و حتی آزادی پوشش را می‌پذیرد؟ نویسنده مقاله متسافنده به هیچکی از این موارد مشخص و یا سایر خواست‌ها و مطالبات توده‌های مردم اشاره‌ای نکرده است و با کلی گوئی از کثار آن گذشته و چنین اظهار نظر نموده است که جناح خاتمی و خواستهای آن با مردم و مطالبات آزادیخواهانه توده‌ها "همسو" است و بعد هم به چپ‌ها نهیب می‌زند که "باید منافع مردم و تقویت جنبش آزادیخواهانه را در وجود چنین همسوئی" بگردد، که از این همسوئی برافروخته نشود و قدر آن را بداند چرا که "یکی از عوامل موثر در پیشرفت جنبش آزادیخواهانه کنونی حفظ و به درازا کشیدن این همسوئی است!" به این مسئله پائین ترباز خواهیم گشت و فعلاً "بحث نویسنده را بی‌میگیریم".

بحث بعدی نویسنده ادعای عقب شنی خامنه‌ای در برابر خاتمی است. این بحث به این شکل عنوان شده است که در جریان بالا گرفتن قضیه "کنکور وقت ظهرور" که نیروهای جناح خامنه‌ای بطور "یکست و بی پرده" علیه خاتمی به "رزم" برخاسته بودند، خامنه‌ای می‌توانست اردوی دولت را برچیند و قبل از دردرس انتخابات مجلس ششم کار خاتمی را یکسره کند و حکم عدم کفايت رئیس جمهور را نیز به یک اشاره از مجلس بگذراند. اما خامنه‌ای این کار را نکرد و نویسنده از این داستان چنین نتیجه گرفته است که خامنه‌ای دربرابر چنان آشکارا عقب شنی کرده است! بحث عقب شنی خامنه‌ای تا آنجا ادامه پیدا میکند که نویسنده مدعی می‌شود "اگر خامنه‌ای در انتخابات آینده به نفع خاتمی حرکت نکند، حداقل موضع بی تقاضا اتخاذ خواهد کرد و شورای نگهبان نیز به حذف کاندیداهای طوفدار خاتمی قادر نخواهد گشت!" و به دنبال آن است که بحث و نتیجه نهایی مطرح میشود و دروازه به روی "هر فرد ایرانی که به توسعه سیاسی ایران می‌اندیشد" برای شرکت در "انتخابات" گشوده می‌شود. بعد از آنکه ظاهراً به خواننده اطمینان داده شده است که جناح خاتمی هم در اساس طرفدار همان چیزی است که مردم برای آن مبارزه می‌کنند و بعد از آنکه این اطمینان نیز حاصل میشود که خامنه‌ای و جناح او وحیش شورای نگهبان هم برای کاندیداهای مطلوب و مورد نظر نویسنده و یا همان طرفداران خاتمی مانع به شمار

با نزدیکترشدن موعد برگزاری انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی، جریانهای بورژوا لیبرال نیز برجنب و جوش تبلیغاتی خود افزوده اند و بی‌صبرانه دارند خودشان را برای شرکت در آن آماده میکنند. تشدید بحران سیاسی و اقتصادی و فشارهای بیشتری علیه طبقه اصلی‌ها و اصحاب مطبوعات و تشکل‌های خاص خود، سخن بکویند. آنان در همان حال که در هر گام عملی خواستار محدودیت‌ها و فشارهای بیشتری علیه طبقه کارگران و زحمتکشان را بطور منظم زیر ضرب بگیرد، در عین حال از کارگران و سایر افسار زحمتکش می‌خواهند از خواسته‌های انقلابی و مبارزه قاطع خود دست بشوند و به اصلاحات جزئی منطبق بر قانون اساسی جمهوری اسلامی و عده داده از سوی خاتمی منصف بر قانون اساسی در انتخابات مجلس ششم پیوند میزنند و از مدت‌هاست که در دعوت از مردم به شرکت در انتخابات، با سران رژیم هم‌صداشده‌اند. درکنار و همسایگی اینها، پارهای جریانها و محافل میانه باز نیز ولوبا زبانی‌الکن، مشغول توجیه و تثویزه کردن همین قضیه و زمینه سازی بازی در بساطی شده اند که حکومت اسلامی و استبداد حاکم آن را پهن کرده است. جریانهایی که در آغاز روی کار آمدن خاتمی، هنوز از طرح صریح مواضع خود ابا داشتند و از اینکه کنه خواست آنها بر ملا میشند، کم و بیش احساس شرم میکردند؟ جریان مبارزه طبقاتی اما بدون تردید صفت بندیهای طبقاتی را بیش از پیش صیقل میزند و هرجیریان را مستقل از ادعاها یش مجبور می‌کند تا در مبارزه میان دو طبقه اصلی جامعه، جایگاه واقعی خود را مشخص کند. یا درست انتقال و درست مبارزه کارگران و زحمتکشان و یا در سمت مرتجلین و طبقه سرمایه دار! راه سومی وجود ندارد. گریزندگان از انتقال و مواضع انقلابی نیز هم اکنون دو اسبه در همین جهت دوم تاخت می‌کنند و سرگرم قلم فرسائی و جلب حمایت به نفع جناح خاتمی اند. آنان در تبلیغات‌شان به نفع به اصطلاح همان اصلاحات جزئی موعود، به دامان بورژوا لیبرال‌ها و همپالگی‌های حکومتی‌شان سقوط میکنند. این قبیل نیروها، ضرورت پیشبرد تبلیغات انقلابی در میان کارگران و زحمتکشان را نفی میکنند و در مطبوعات‌شان سرنگونی جمهوری اسلامی را به زبان‌های مختلفی از دستور کارخار می‌سازند و عملاً به مدافعان افقی همین حکومت اسلامی مبدل و محل می‌شوند.

از همین نمونه است سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و ارگان مرکزی آن نظریه اتحاد کار. در شماره ۶۷ مورخ آبان ۷۸ این نشریه، مقالاتی در زمینه یادشده به چاپ رسیده است. در این مقالات که حتی کاه با تحریف واقعیت‌ها نیز همراه است، موضوع شرکت در انتخابات مجلس ارتقای و حمایت از خاتمی، خواه آشکار و صریح، خواه اندکی پوشیده وبا صراحت کمتر، توصیه شده است و این تاکتیک البته همه جا به بهانه "تقویت جنبش آزادیخواهانه" توجیه شده است. این موضوع در مقاله‌ای تحت عنوان "جنوب آزادیخواهانه مردم، صفت آرایی حکومت و موضوع نسبت به انتخابات مجلس ششم" با اختصار مصطفی مدنی، بطرز بسیار بارزی انعکاس یافته است. سوای مباحث دیگر، در این مقاله چند بحث و محور اصلی مطرح شده است که هریک از دنبال و در تکمیل دیگری و به نحوی آورده شده است تا مقصود نهایی که همانا شرکت در انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی باشد، از آن حاصل شود. رؤوس و خلاصه‌ای از این مقاله را با هم مرور میکنیم.

بحث نخست مقاله این است که "جنوب آزادیخواهانه مردم" که جنبش دانشجویی اخیر جز کوچکی از آن بشمار می‌رود ("قله کوچکی از کوه عظیم بی درد اقیانوس") نه شکست خوردنی است و نه کسی می‌تواند آنرا وجه المصالح قراردهد. "جنوبی" که زنان، جوانان و روشنفکران، هستی امروز خویش را در پیشرفت آن می‌بینند و کارگران و افسار زحمتکش جامعه بقاً زندگی و معیشت خویش را در انکشاف آن می‌جویند" (تاكیدیها از ماست)

«انتخابات» مجلس و «چپ» هائی که از انقلاب روی بومی تابند!

نمی روند و نمی توانند آنها را حذف کنند، آنگاه در قبال چنین اوضاع و شرایطی وظیفه و تاکتیک سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را نیز مشخص می کند و می نویسد "ماقطعًا" باید از کاندیداهای مستقل و نیروهای رادیکال جناح دوم خرداد پشتیبانی کنیم!" همانطور که ملاحظه میکنید نتیجه نهائی و کنه بحث نویسنده اتحاد کار را میتوان اینطور خلاصه کرد، در انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی شرکت کنیم، به حمایت از جناح خاتمی برخیزیم و به کاندیداهای این جناح از حکومت اسلامی رای دهیم! این تاکتیک، البته روشن است که چیز دیگری جز تن سپردن به بازی های حکومت اسلامی، جز توهمند پراکنی پیرامون مرتعجنین و جز رای دادن به استبداد حاکم نیست . برای اثبات این ادعا ، مانیز همان موارد مطروحه توسط نویسنده اتحاد کار را به ترتیب خواهد شد.

دوم: ادعای بعدی نویسنده، مربوط به صفت بندی جناح های حکومتی و عقب نشینی جناح خامنه ای در برابر جناح خاتمی است. هنگامی که انسان این بخش از به اصطلاح استلال های نویسنده اتحاد کار را می خواند، بخوبی متوجه این مسئله نیز میشود که چگونه برای رسیدن به مقصد نهائی، واقعیت ها نیز ندیده گرفته شده و حتی تحریف میشود. هر کس این موضوع را میداند که جمهوری اسلامی از روز اول موجودیتش با اختلافات و کشمکش های درونی نیز روبرو بوده است . در جریان دو دهه کشمکش برسر قدرت بیشتر میان جناح ها ، مردم ایران بارها شاهد عقب نشینی و پیشوای آنها بوده اند و این مسئله هیچ تغییری در ماهیت آنها ایجاد نمی کند. همین جناحی که امروز جناح غیر مسلط حکومتی است و اتحاد کار حمایت و تقویت آن را در دستور کار خود قرار داده است، در یک مقطع زمانی طولانی، جناح مسلط حکومتی بوده است. با اینهمه موازین حکومت اسلامی همان است که قبلاً بوده است و مردم ایران در تمام طول این سالها، شاهد کشتار، سرکوب و استبداد چمهوری اسلامی مستقل از آن که چه جناحی سهم بیشتری از قدرت را داشته است، بوده اند. در اینجا نیز فقط کسانی میتوانند از اختلاف و تضاد میان جناح های حکومت اسلامی به حمایت و تقویت یکی از آنها برستند و تقویت ارجاعی را به سیاست خویش تبدیل کنند و بعد هم این سیاست مغرب و ارجاعی را تحت عنوان تقویت جنبش آزادیخواهانه مردم توجیه کنند، که بلکه از تبلیغ شعارهای انقلابی دست شسته و به دامان لیبرالیسم سقوط کرده باشند. کسانی که به تغیرات بسیار جزئی در چارچوب نظام ارجاعی حاکم دل پستادن و این واقعیت را که تحقق آزادیهای سیاسی بطور تکانگ و گریز ناپذیری با سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است، آشکارا انکار نمایند ! و گرنه این موضوع چندان پیچیده و غیرمکشوفی نیست که صرف نظر از اینکه کدام جناح عقب و یا کدام جناح جلو نشسته است، مسئله اساسی این است که در قبال مردمی که برای تحولات رادیکال و انقلابی مبارزه می کنند، این نه یک جناح و مبارزه واقعی دهها بار این واقعیت را ثابت کرده است. با اینهمه باید دید آیا ادعای مشخص نویسنده مبنی بر عقب نشینی جناح خامنه ای در آستانه انتخابات مجلس ششم و یا عبارت دیگر پیش روی جناح خاتمی تا چه حد با واقعیت ها میخواند. نگاهی ولو مختصر به رویدادهای اخیرینه فقط حاکی از تشدید و تداوم کشمکش های همیشگی، که در موارد مشخصی اتفاقاً میین پیشوای جناح خامنه ای و عقب نشینی جناح خاتمی است. امروز دیگر هر کس این را میداند که خاتمی در مورد قتل های زنجیره ای نسبت به آنچه که وعده پیکریش را داده بود عقب نشسته است. یک سال و اندی بعد از این قتل ها، تازه طرفداران وی خبر می دهند که ایشان در جریان مسائل نیست و آقای رئیس جمهور نیز می گوید ، پرونده این قتل ها در اختیار سازمان قضائی نیروهای مسلح قرار گرفته و "درآجای افراد درست هستند و تلاش میکنند" و از "تفاهمن" خود با رئیس قوه قضائیه صحبت می کند و اینکه "ترتیباتی اندیشیدیم که انشال الله اشراف بیشتری داشته باشیم" ! (کار و کارگر ۲۵ آذر) در زمینه قتل های سیاسی و عقب نشینی جریان خاتمی، صرف نظر از تشکیل کمیته های تحقیق بی خاصیت وی که آنهم به منظور آب پاشیدن بر روی آتش داغ احساسات جریحه دار شده و غلیان مردمی که از این مسئله به خشم آمده بودند ، همین بس که بگوییم حتی روزنامه های رسمی جبهه دوم خردای ها، نیز نه از عقب نشینی که حقی از "تسليیم" و بیشتر از یک قله کوچکی از کوه عظیم یخ در دل اقیانوس نبود! انکار

۱۳ درصفحه

احتجاجاتی که منشأ آن خوف از انقلاب است

یکم : هر نیروی انقلابی و چپی که به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان ایران فکر می کند ، و وقتی که یک چنین چرخش هائی را می بیند و از زبان مبارزه می کند ، وقته که گروه ها و افرادی که خود را چپ و حتی سوسیالیست و کمونیست می نامند، میشنود که به طرفداری و حمایت از یک جناح حکومت اسلامی برخاسته اند، آنهم زمانی که تجربه اکثریت را ناظر بوده اند و در اوقات بعد از سالیان دراز میخواهند این تجربه را "محداد" تجربه کنند، حقیقتاً نیتواند دچار تاسف نشود. گرچه از ابتدا هم هیچ شک و تردیدی در مورد ارجاعی بودن ماهیت خاتمی و جناح او وجود نداشت، معهدا در آغاز روزی کار آمدن او، سیاست دنباله روزی از وی و جناحش به این بهانه که او خواهان اصلاحات و "توسعه سیاسی" است، شاید هنوز می توانست کریز از اردوی انقلاب را توجیه کند. اما دو سال و نیم بعد از این قضیه آنهم زمانی که کند اصلاحات و ماهیت توسعه سیاسی مورد نظر وی برای اکثریت مردم بر ملا شده است، دیگر نمی توان دنباله روزی از خاتمی و یک جناح حکومتی را به بهانه "همسوئی" خاتمی با مردم، توجیه کرد. برای کسی که چشم خود را بر رایبروی حقایق و تجربه جمهوری اسلامی فرونویسته باشد، این یک امر روش و بدیهی است که حکومت اسلامی و جناح های آن اساساً دنبال اهداف و مقاصدی جدا از مردم و متضاد با منافع مردم هستند . همه جناح های حکومتی منجله جریان خاتمی، خواهان حفظ نظام و وضع موجودان . آنان خواهان تداوم حکومت مذهبی، رعایت اکید موازین شرع و اسلام در امور جامعه و حرکت در چار چوب قانون اساسی جمهوری اسلامی اند. بیست و یک سال بعد از روی کار آمدن این رژیم آیا کسی هست که نداند در قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی های سیاسی و آنچه را که "جنبش آزادیخواهانه مردم" دنبال و طلب میکند، به صراحت منع و نقض شده است؟ آیا کسی هست که نداند آزادی های سیاسی، آزادی زنان و اندیشه، آزادی کسی هست که نشیده شده است؟ آیا جز این است که حکومت اسلامی با استبداد دینی همزار و همردیف بوده است؟ و مگرآقای خاتمی که فردی از همین دستگاه و از یک جناح حکومت است، هزار بار اعتقاد خود به حفظ همین نظام اسلامی و قانون اساسی آنرا اعلام نکرده است؟ توده کارگر و زحمتکش که بیشتر از بیست سال است تحت شدید ترین فشارهای فزاینده سیاسی و اقتصادی قراردارد و قبل و بعد از روی کار آمدن خاتمی را تجربه کرده است، برخلاف آنچه که نویسنده اتحاد کار می خواهد القا کند، خواهان تداوم و نجات این نظام نیستند. آنان دنبال آزادی و رفاه اند و می خواهند هرچه فوری ترسیمه این حکومت شوم از سرشاران برداشته شود. این "همسوئی" نیست بلکه این عین دگر سوئی است . مسئله مردم و جنبش های اعتراضی و آزادیخواهانه توده ای به هیچوجه حفظ حکومت دینی نیست، بر عکس همانطور که شمه ای از آن در جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه تیرماه دانشجویان هم دیده شد، تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی و نهادهای اصلی آن است . صد البته که این جنبش اعتراضی، هنوز با یک جنبش اعتراضی وسیع و سرتاسری که کارگران و زحمتکشان نقش و مداخله فعال تری در آن داشته باشند فاصله داشت و بیشتر از یک قله کوچکی از کوه عظیم یخ در دل اقیانوس نبود! انکار

اعتراضات سراسری کارگران و چند نکته پیرامون آن

خواست کار فرما و دولت اند، با این همه در جریان این حرکت اعتراضی، باردیگر نقش آنها در به مصالحه کشاندن و انحراف مبارزه کارگری برملا گردید بویژه آنکه دست اندکاران این تشکل ها زیر فشار اوضاع، رسماً و علناً اعلام کردند که تا کنون نیز با دادن یک سری وعده و وعید تو خالی برای آرام کردن جو کارخانه ها، کاردیگری انجام نداده اند. ثالثاً و مهمتر آنکه در جریان این حرکت اعتراضی بار دیگر این مسئله به عنین مشاهده شد که کارگران به تشکل های رژیمی هیچگونه اعتمادی ندارند، از وعده های آنان دیگر "خسته" شده اند و شدیداً آنها را مورد "سئوال" و باز خواست قرار میدهند. وقتی که کارگران برغم درخواست شوراهای اسلامی، به مبارزه اعتراضی خویش ادامه داده و به برقائی اجتماعات اعتراضی دست زدند، ضمن نشان دادن بی اعتمادی خود به این تشکلهای، درواقع این موضوع را که شوراهای اسلامی کارناتوان از کنترل مبارزه و اعتراض کارگری است را به اثبات رسانند. خانه کارگری نیز که خود از فراخوان دهندهای اصلی این تجمعات بود، از پائین تحت فشار شدید کارگران قرار داشت و دیگر نمی توانست منعی بر سر راه مبارزه کارگران ایجاد کند. بعد از تظاهرات و راه پیمایی اعتراضی کارگران در اول ماه مه که خانه کارگر برگزار کننده آن بود و در آخرین لحظات بدليل عدم صدور مجوز راه پیمایی آنرا لغو کرد اما کارگران مستقل از خواست و اراده خانه کارگر به تظاهرات اعتراضی با شکوهی دست زدند، تجمعات اعتراضی و سراسری کارگران در روز ۲۸ آذر، دومین حرکت بزرگی است که کارگران در جریان عمل، اندک اندک حساب خود را از این گونه تشکل ها جدا میکنند. کارگران ایران دریافتند که پیشوای مبارزه کارگری ونتیجه بخش بودن آن متضمن استقلال از تشکل های یاد شده و ایجاد تشکل های مستقل کارگری است.

کارگران بود و پس از کلی سردواندن و مشغول تجمع کارگران را منع کرد، در عرض برای اعزام نیروهای امنیتی و انتظامی خود به محل تجمع کارگران هیچ مشکل و مانع وجود نداشت. معهذا برغم بکارگیری و اعزام نیروهای انتظامی و امنیتی و حتی ضرب و شتم کارگران، این تجمعات اعتراضی علاوه بر تهران، در بسیاری از شهرهای دیگر نیز برگزار گردید و به یک آكسیون سراسری تبدیل گردید.

در اهواز هزاران تن از کارگران و بازنیستگان با تجمع در مقابل خانه کارگر این استان تجمع اعتراضی بپا کردند. در مشهد کارگران واحد های صنعتی، خدماتی و صنوف با اجتماع در محل خانه کارگر خراسان، دست به اعتراض زدند و چنین مطرح کردند که اجتماعات صنعتی کارگری نیازی به مجموع از وزارت کشور ندارد. در قزوین نیز کارگران اجتماع اعتراضی بپا کردند که مدیر کل تامین اجتماعی قزوین با حضور در میداده که مجموع از وزارت کشور به آن می سازد که جمع اعتراض کنندگان، کارگران را به آرامش دعوت کرد. در تبریز، قائم شهر، همدان، قم، بوشهر، زنجان، گلستان، هرمنگان، گیلان (رشت)، کرمان و بدخشان دیگر از شهرها نیز کارگران تجمعات اعتراضی مشابهی بپا کردند. گرچه هنوز از نتایج این تجمعات اعتراضی خبری در دست نیست، اما مستقل از این موضع در جریان این اتفاق اعتراضی، اولاً: یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری دولت و وزارت کشور آن که به جناح خاتمی منتسب می شود و پیرامون "جامعه مدنی" او تبلیغات زیادی برآمد انداخته اند، برای کسانی که هنوز به آینها توهمند داشتند، بر ملاشد. ثانیاً: گرچه اکثریت کارگران در تشکل های وابسته به رژیم نظیر شوراهای اسلامی کار را می شناسند و تا کنون هم به تجربه در یافته اند که آنها کاری برای کارگران انجام نمی دهند و در اساس دنبال منافع و

از اعضاء هیئت مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار، در این مورد میگوید "همین تشكیل های کارگری از بد و پیروزی انقلاب در خدمت انقلاب و رهبری کارخانه ها را از هر گزنه مصون داشته اند"! و رئیس این کانون میگوید "ما بعنوان نمایندگان کارگران در بسیاری از امور و وعده وعده های دلگرمی به آنان (کارگران) داده ایم، اما این وعده ها تا کی میتواند کارساز باشد. این جوابی است که لازم است دست اندکاران بیشتر به آن تعقیق کنند. و ما هم طبعاً" از این نظر زیر سؤال کارگران هستیم! او در ادامه سخنان خود در عین حال چنین اضافه میکند که "مدتی است که کارگران از وعده های ما خسته شده اند" (کار و کارگر ۲۷ آذر) رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی در عین حال این موضوع را فاش می سازد که کارگران خواستار مجوز راه پیمایی اند که وزارت کشور به آنان توصیه کرده است که فقط تا حد تجمع اکتفا کنند. و ایشان هم قول داده که به همین حد بسنده شود (همان).

با این وجود و برغم تمامی توصیه ها، هشدارها، نصیحت ها و تظلمات، وزارت کشور از صدور مجوز خودداری کرد و با صدور اطلاعیه ای در روز ۲۸ آذر اعلام نمود که "وزارت کشور با تجمع کارگران که قرار بود در مقابل دفاتر سازمان تامین اجتماعی در تهران و مرکز استان ها برگزار شود، موافقت نکرد" و هرگونه تجمعی را "فائد و جاهت قانونی" خواند. به دنبال اطلاعیه وزارت کشور، کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز بلافضله با صدور اطلاعیه ای "پایبندی خود به ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی" را اعلام و تجمع سراسری کارگران در برابر دفاترسازمان تامین اجتماعی را لغو نمود. در این اطلاعیه ضمن کله از وزارت کشور، چنین عنوان شده بود که "اگر روند کنونی ادامه یابد هیچ گونه ضمانتی در مورد آرام نگهداشتن وضعیت موجود وجود ندارد"

کارگران مستقل

به تجمعات اعتراضی دست زدند

برغم اعلام منوعیت اجتماعات کارگری ازسوی وزارت کشور و نیز لغو آن ازسوی کانون هماهنگی شوراهای عالی کار، روز ۲۸ آذر، کارگران در تهران و بسیاری دیگر از شهرها، تجمعات اعتراضی خویش را بر پا ساختند و سیاست های سازمان تامین اجتماعی را محکوم کرده و خواستار تجدید نظر در آن شدند.

در تهران شمار زیادی از کارگران در برابر شعبه سیزده تامین اجتماعی، تجمع اعتراضی خود را برپا کردند. برغم تلاش هایی که از سوی کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران برای پراکنده نمودن کارگران بعمل آمد، اما کارگران به تلاش این افراد و خواست آنها وقعي ننهاده و در اجتماع خویش به سیاست های سازمان تامین اجتماعی اعتراض کردند و خواست های خویش را نظیر پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی، لغو بخشنامه های تامین اجتماعی، ارائه خدمات مطلوب به بیمه شدگان ازسوی این سازمان مطرح نمودند. اگر دولت مخالف صدور مجوز راه پیمایی

حق اعتراض و ایجاد تشکل های

مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتراض و تشکل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است.

سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بلادرنگ حق اعتراض و حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

موگ بر نظام سومایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی



بودجه دولت و هزینه های یک دستگاه انگل

انجامید. برخی از کارشناسان اقتصادی رژیم از هم اکنون پیش بینی کردند که نرخ رشد تورم در سال آینده رقمی در حدود ۴۰ درصد خواهد بود. این همه فشار به توجه مردم، به کارگران و زحمتکشان تحییل میشود تا مخارج دستگاه انگل دولتی تامین شود. تا بودجه بیشتری به ارگانهای سرکوب نظامی - پلیسی و امنیتی و بوروکراتیک اختصاص یابد. مطابق ارقام لایحه بودجه، قراراست در سال آینده بودجه ای که به دستگاه پلیسی و امنیتی اختصاص مییابد ۵۴/۵ در صد افزایش یابد. افزایش بودجه در سال ۳۱ درصد دستگاه قضائی ۶۱/۵ درصد خواهد بود. بودجه تمام ارگانهای سرکوب نظیر ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی، پسیج، وزارت اطلاعات، دادگاهها و زندان‌ها شدیداً افزایش یافته است. این در حالی است که بودجه های بهداشت و درمان و آموزش حتی از برخی جهات کاهش نیز یافته اند. دولت ادعا می‌کند که بودجه آموزش و پرورش مطابق لایحه جدید، ۲۳ درصد افزایش یافته است. اما اگر نرخ رشد تورم در نظر گرفته شود، عملابزاری از بودجه سال جاری نیز کمتر خواهد بود. بنا براین روشن است که هرچند آموزش، بهداشت و درمان نیز حتی از زاویه منافع طبقه سرمایه دار و حفظ و آموزش نیروی کار ضروری است، اما در جمهوری اسلامی تمام ارگانها و نهادهای سرکوبگر و انگل در اولویت قراردارند و هزینه های کلانی صرف نگهادی و سازماندهی آنها میشود. هزینه کلان این دستگاه انگل را نیز از کارگران و زحمتکشان ایران می‌گیرند. بودجه دولت هر سال، این واقعیت را آشکارا نشان میدهد.

کمک های مالی رسیده

| | | | |
|----------|-----------------|-----------------|---------------|
| آمریکا | زندانی سیاسی | ۱۰۰ | دلار |
| آمریکا | بدون کد | ۱۰۰ | دلار |
| استرالیا | هواداران سازمان | نرم افزار فارسی | |
| استرالیا | ماه دسامبر | ۵۰ | دلار استرالیا |
| استرالیا | کمک به نشریه | ۲۰ | دلار استرالیا |
| استرالیا | کمک به نشریه | ۲۰ | دلار استرالیا |
| استرالیا | کمک به نشریه | ۱۰ | دلار استرالیا |
| دانمارک | بدون کد | ۵۰ | کرون |
| دانمارک | بدون کد | ۵۰ | کرون |
| دانمارک | بدون کد | ۵۰ | کرون |

مالیات بیشتری بپردازند که این افزایش مالیات حدوداً یک سوم مالیاتی است که اکنون می‌پردازند. البته باید در نظرداشت که رقم واقعی مالیاتی که دولت میخواهد از مردم بگیرد، به رقم ۳۱ درصد کل بودجه محدود نمی‌شود. بخش دیگری از درآمدهای بودجه دولت، یعنی معادل ۲۰ درصد قرار است از منبع سایر درآمدهای تامین شود. بخش قابل ملاحظه ای از این "سایر درآمدها" نیز از طریق عوارض و مالیات و انواع ابزارهای سرکیسه کردن مردم تامین میگردد. هنوز جزئیات لایحه بودجه در مجلس به بحث گذاشته نشده و در مطبوعات نیز انعکاس نیافته است، تا دقیقاً بتوان گفت چه مقدار از طریق مالیات و عوارض وغیره از مردم گرفته می‌شود و تاثیر آن بر خامت شرایط زندگی مردم چه ابعادی دارد، اما از اخبار جسته و گریخته روزنامه های رژیم چنین بر می‌آید که قرار است کالاهای خدمات انصاری دولت تا به آن حد افزایش یابند که بخش قابل ملاحظه ای از درآمدهای مالیاتی دولت با رشدی معادل ۳۲ درصد از طریق مالیات غیر مستقیم تامین گردد و علاوه براین بخش زیادی از درآمدهای سایر متابع از طریق وضع عوارض های متعدد و چاپیدن مردم توسط ادارات دولتی تامین شود. قرار است در سال آینده بهای هر لیتر بنزین ۴۵۰ ریال باشد که افزایشی معادل ۱۰۰ ریال را نشان میدهد. افزایش بهای دیگر فرآورده های نفتی، گاز و برق نیز از ۲۰ تا ۵۰ درصد خواهد بود. بهای تولیدات شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکتهای تابعه آن، تا ۴۰ درصد افزایش می‌آید. میلیون ریال خواهد بود و برهر ۳۰۰ سی سی نوشابه ۷۰ ریال افزوده میشود، در حالی که قبلاً ۲۰ ریال بود.

مطابق موارد و تبصره های لایحه بودجه، تمام ادارات و موسسات دولتی دستور داده می‌شود که تا آنجا که می‌توانند و در ازای هر کارناتچیزی از مردم پول بگیرند. بعنوان نمونه سازمان ثبت احوال بابت صدور کارت های مختلف از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال از مردم خواهد گرفت و هر کسی که نیازی به یک المثلث داشته باشد باید ۲۰۰ هزار ریال بپردازد. صدور و تعویض گذرنامه به یکصد هزار ریال افزایش یافته است. در اجرای طرح تعویض پلاک خود میشود و با بابت شماره گذاری هر دستگاه خودرو سواری در تهران و کرج یکصد هزار ریال اخذ میگردد. کسانی که به دلایلی از خدمت سربازی معاف میشوند باید بابت صدور کارت معافیت ده هزار ریال و برای گرفتن المثلث ۲۵ هزار ریال بپردازند. عوارض خروج مسافر از کشور ۳۰۰ هزار ریال تعیین شده ودها و صدها نوع عوارض و باج و خراج دیگر تعیین شده است. تمام شواهد نشان میدهند که این افزایش مالیاتها که عمدهاً غیر مستقیم هستند، و انواع عوارض و افزایش بهای خدمات دستگاه های دولتی، به افزایش شدید قیمتها و رشد جهش وارنرخ تورم خواهد

این بودجه کلان دستگاه دولتی از کجاست؟ در لایحه بودجه آمده است که ۴۹ درصد آن از طریق درآمدهای نفتی تامین می‌شود. یعنی میلیارد ها دلار، نفتی را که کارگران در طول یک سال تولید می‌کنند، تماماً صرف هزینه های دستگاه انگل و سرکوبگر می‌شود. این ثروت عظیم تولید شده توسط کارگران نفتی که در اصل می‌باید صرف رفاه و آسایش مردم و پیشرفت و توسعه مادی و معنوی آنها گردد همه ساله توسط دستگاه غیر مولود و انگل دولت بلعیده میشود. معهداً این در آمد کلان نفتی هم جوابگوی هزینه های دستگاه عربیض و طویل دولتی نیست. در بودجه سال آینده قرار است ۳۱ درصد از کل بودجه دولت از طریق مالیات تامین گردد که به گفته رئیس بانک مرکزی رژیم در مقایسه با سال جاری ارزشی معادل ۳۲/۸ درصد برخوردار است. حالا سئوال این است که چه کسی باید این حجم کلان مالیات را بپردازد. ظاهراً باید مالیات را کسانی بپردازند که چیزی دارند یعنی مالک و سرمایه دار و ثروتمدان. وسودها و درآمدهای کلان دارند. اما در واقعیت چنین نیست. در ایران، سرمایه داران و ثروتمندان چیزی بعنوان مالیات ناچیز است که در کل مالیات های وصول شده رقم بسیار کمی را تشکیل میدهد. این واقعیت برهمگان روشن است که بر طبق مصوبات دولت، لااقل از دوران رفسنجانی به بعد، بخش قابل ملاحظه ای از سرمایه گذاری ها از تسهیلات متعدد مالیاتی برخوردارند. در برنامه سوم هم که اخیراً در مجلس به تصویب رسید تصریح شد که سرمایه داران داخلی و خارجی از معافیتهای مالیاتی و حقوق و عوارض دولتی در زمینه های مختلف برخوردارند. این را هم می‌دانیم که سرمایه داران بپیژه بخش تجاری آن از طریق حساب سازی های قلابی و دوز و کلک های حسابداری، سودهای کلان خود را پنهان میسازند و چیزی بعنوان مالیات نمی‌پردازند. در نهایت ممکن است آنها اندکی رشوه به ماموران وزارت دارایی بدهنند و خود را کاملاً خلاص کنند. حالا گیریم که سرمایه داران یک بخش بسیار ناچیز هم به عنوان مالیات بپردازند، اما اولاً این رقم در کل درآمدهای مالیاتی دولت ناچیز است. ثانیاً سرمایه داران، همین بخش ناچیز مالیات را هم به طرق مختلف، از طریق افزایش قیمت کالاهای و خدمات به مصرف کننده تحمیل می‌کنند. لذا روشن است که بخش اعظم مالیات را دولت به شکل مستقیم یا غیر مستقیم از کارگران و زحمتکشان میگیرد. این بدان معناست که کارگران و زحمتکشان ایران باید بخشنی از حقوق و دستمزد و درآمدانچیز خود را بعنوان مالیات به دولت بپردازند. و چون هزینه های دستگاه دولتی در سال آینده افزایش یافته است و قرار است بودجه ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، بسیج، دادگستری، وزارت اطلاعات، دستگاه روحانیت و غیره افزایش یابد، لذا کارگران و زحمتکشان ایران باید در سال آینده

جمع اعتراضی زندن . در این جمع اعتراضی، کارگران علاوه بر پرداخت مقری بیمه بیکاری به کلیه کارگران واجد شرایط و نیز اصلاح دستور العمل های سازمان تامین اجتماعی، خواستار بازنیشتنگی پیش از موعد شدند.

اعتراض کارگران هفت تپه

کارگران وقت گروه صنعتی کاغذ پارس هفت تپه، درنامه سرگشادهای نسبت به عدم تضمین شغلی خود اعتراض کرده و ضمن ابراز نگرانی خواستار آن شده‌اند که بصورت رسمی درآیند. قابل ذکر است که این عدد از کارگران که بیش از ۴ سال است درصنایع کاغذی پارس مشغول بکارمی باشند، هم اکنون در معرض اخراج قرار گرفته‌اند.

اعتراض کارگران در کرمانشاه

شماری از کارگران صنعت نفت کرمانشاه قسمت پالایشگاه خط لوله پخش با سابقه ۳۰ سال کار به بالا، که به سن قانونی بازنیشتنگی رسیده اند، خواهان بازنیشته شدن هستند، اما مدیر عامل شرکت به این درخواست کارگران توجهی نمی کند و آن را نمی پنیرد . از سوی دیگر از طرف سازمان تامین اجتماعی استان کرمانشاه نیزبه کارگران گفته شده است که حق بیمه آنها پرداخت نشده است ! کارگران نسبت به این مسائل اعتراض دارند و با ارسال یک پاداشت اعتراضی برای مطبوعات، خواستار رسیدگی به این خواست قانونی خود شده‌اند.

اعتراض کارگران پارس آرین

مدتی است که مدیریت شرکت پارس آرین به بهانه‌های واهمی از پرداخت برخی از حق و حقوق کارگران شانه خالی می کند و اخیرا" مسئولین شرکت از کارگران خواسته اند تا با دریافت سنتوات باز خرید شوند که البته این موضوع اعتراض شدید کارگران را برانگیخته است . کارگران خواهان ادامه کاری، تضمین شغلی و دریافت همه حقوق و مزایای خوبیشاند و از مسئولین خواسته اند که در این زمینه اقدامات عاجل به عمل آورند. شایان ذکر است که این شرکت تحت پوشش " کمیته امداد امام خمینی" قرار دارد و دارای ۱۳۰ کارگراست که اکثریت آنان ۲۵ سال سابقه کاردارند.

اعتراض کارگران پنبه نسوز

کارگران شرکت پنبه نسوز نهندان، چند ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. این کارگران اخیرا" با ارسال نامه‌ای به مدیریت شرکت خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. همچنین برخی دیگر از کارگران این شرکت از به اصطلاح نمایندگان این شهردر مجلس خواستند تا هرچه زودتر نسبت به تصویب طرح بازنیشتنگی نمودند. همچنین کارگران در کارهای سخت و زیان آور اقدام کنند.

در صفحه ۱۰

خبرداری از ایوان

خویش ادامه خواهد داد . گفتنی است که مسئولین شرکت یاد شده جهت حل مشکلات کارگران، قول مساعد داده‌اند.

اجتماع اعتراضی کارگران خانه سازی اهواز

به حکم دادگاه عمومی اهواز ، کارخانه خانه سازی اهواز پمپ شد و ۱۵۰ کارگراین کارخانه نیز به خیل کارگران بیکار اضافه شدند . در اعتراض به این اقدام، کارگران در محل کارخانه مجتمع شدند و ضمن محکوم کردن صدور حکم مربوطه، خواستار ادامه کار و تضمین شغلی خود شدند. لازم به ذکر است که فرسی به نام عبدالله مرعشی در تاریخ ۲۵ آذر به کارخانه مراجعه میکند و مدعی میشود که این کارخانه متعلق به او میباشد و تهدید میکند که کارگران را پلمپ و کارگران را اخراج خواهد کرد . یک هفته بعد نامبرده همراه با مامورین نیروی انتظامی و حکم قضائی به محل کارخانه آمده و آن را پلمپ می کند . بنابراین اظهارات یکی از کارگران این کارخانه، عبدالله مرعشی از چند سال پیش این کارخانه را به صورت اقساطی خودداری نموده که از زمان تحویل آن به مدت ۹ ماه حقوق کارگران را نپرداخته است . این فرد سپس شروع به فروش اموال کارخانه نموده و بعلت سوءاستفاده‌های کلان از شرکت های تعاونی مسکن اهواز، زندانی میشود. پلمپ کارخانه در حالی صورت می‌گیرد که بقول یکی از کارگران ، نامبرده روزها آزاد است و فقط شب ها به زندان می رود و هنوز مهلت زندانی او تمام نشده است! کارگران در تجمع اعتراضی خود، اقدام نیروهای انتظامی و دستگاه قضائي و حمایت دولت از مالک کلاه بردار را محکوم کردن و خواستار باز شدن کارخانه و ادامه کارخود شدند.

جمع اعتراضی کارگران آذربایجان

کارگران واحدهای صنعتی آذربایجان غربی در یک تجمع اعتراضی نسبت به اخراج ۸۴ تن از کارگران پتروشیمی ارومیه اعتراض کرده و خواهان بازگشت به کار این کارگران شدند. در این تجمع اعتراضی ، کارگران نسبت به قرارداد های موقت کارنیز ابراز نگرانی نمودند. همچنین اعلام کردن در قبال اقدامات سازمان تامین اجتماعی نظیرقطع مقری بیمه بیکاری کارگران هرگز سکوت نخواهد کرد.

جمع اعتراضی کارگران خراسان

بنظور اعلام اعتراض به عملکرد سازمان تامین اجتماعی ، کارگران در خراسان دست به یک

جمع و تظاهرات کارگران کارخانه مبلیران

حدود ۳۰۰ کارگر کارخانه مبلیران روز ۱۲ دی ماه در مقابل وزارت کار اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند . اعتراض کارگران به عدم پرداخت دستمزدها بود. یکسال نیم است که کارگران این کارخانه دستمزد و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران معتبر گفتند: کارفرما در سال ۷۷، اقدام به باز خرید اجرایی ۱۲۰ تن از کارگران نمود و نفر پاچی مانده از آن زمان حقوقی دریافت نکرده‌اند. کارگران همچنین گفتند که به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما، از خدمات بیمه نیز محروم شده‌اند.

جمع اعتراضی کارگران البس ناس

مدیریت اجرائی شرکت البس ناس به بهانه رکود، دهها تن از کارگران این کارخانه را اخراج و از تمامی کارگران خواسته است که هرچه زودتر نسبت به باز خرید خود اقدام کنند. در اعتراض به این اقدام ضد کارگری ، کارگران در روز یکشنبه هفت آذر ماه ، یک تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه بريا کردن و خواستار باز گشت به کاروراه اندازی کارخانه شدند. شایان ذکر است که کارخانه البس ناس، واقع در شرق تهران تولید کننده پوشاک و تحت پوشش بنیاد مستضلعان قرار دارد . مسئولین کارخانه به قصد تعطیل این واحد ، از اوائل مهرماه ابتدا سیستم گرمائی کارخانه و سپس سرویس ایاب و ذهاب را قطع کردن و نه فقط حقوق و مزایای کارگران را از اول مهرماه نپرداخته اند، بلکه در روز ۱۲ آبان عملا" حکم اخراج کارگران را نیز صادر کرده‌اند. بنابراین اظهارات یکی از کارگران این واحد، مدیریت کل بنیاد از تاریخ ۷۸/۷/۱ تصمیم به اخلال این کارخانه و درصدد تسویه حساب پاکارگران برآمده و به شیوه های مختلفی کارگران را در تکنگی قرار داده است تا اجرایا" به باز خرید رضایت دهد حال آنکه کارگران این کارخانه خواهان ادامه کارخود شدند.

اعتراض کارگران بهمن پلاستیک

کارگران شرکت بهمن پلاستیک در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان شرکت به مشکلات خویش روز ۲۴ آذر دست به اعتراض زدند . کارگران اعلام کردن چنانچه به مشکلات حقوقی و معیشتی آنها رسیدگی نشود ، به اعتراض

دستمزدهای معوقه کارگران باید پرداخت گردد

خودسوزی در میان خانواده‌های کارگری

یکی از مسئولین شوراهای اسلامی کار استان فارس اعلام کرد که در ظرف سال گذشته و امسال، چندین واحد صنعتی بزرگ در فارس تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شده اند. از جمله این واحدها، تعطیلی پارچه بافی شهید فرضیان شیراز است که متلاعنه آن ۵۰ کارگر، کارخود را ازدست داده اند. وی همچنین اضافه کرد که با توجه به وجود مشکلات عدیده حاکم بر خانواده‌های کارگران بیکار شده، تاکنون ۱۵ قفره خود سوزی در میان این خانواده‌ها گزارش شده است.

تحصین دانشجویان در بیرون

جمع زیادی از دانشجویان دانشگاه بیرجند، هفته آخر آذر ماه در اعتراض به اوضاع نابسامان دانشگاه از جمله مسائل رفاهی و صنعتی و فرهنگی این دانشگاه، دست به تحصین زدند. از جمله مطالبات دانشجویان، یکی هم بهبود اوضاع سلف سرویس دانشگاه است.

اعتراض پرسنل مخابرات مشهد

پرسنل واحد ۱۱۸ خراسان که از ۸ ماه تا ۳ سال در واحد اطلاعات تلفن مشهد مشغول به کار هستند، نسبت به تضییع حقوق خود در طی این مدت توسط یک شرکت پیمانکاری بنام "مشهد سپندآسا" اعتراض کردند. آنان دریک یادداشت اعتراضی در زمینه ضایع شدن حقوق خود توسط شرکت یادشده از جمله چنین نوشتند اند "عنوان نمونه براساس قرارداد فیما بنیان شرکت با اداره کل مخابرات حقوق پایه یک اپراتور ۲۸ هزار تومان در ماه تعیین شده که این رقم هم اکنون به ۱۸ هزار تومان کاهش یافته است و اعتراض‌های صورت گرفته به مسئولان اداره کل کار و شرکت مخابرات مشهد نیز به جائی نرسیده است" آنان درنامه خود همچنین نسبت به اخراج ۱۸ نفر از همکاران خود و نیز نسبت به فشارها و محدودیت‌های جدید این شرکت اعتراض کرده‌اند و درنامه خود به این موضوع اشاره کرده اند که "هر کارمندی که به تضییع حق و حقوق خود اعتراض نماید، اغتشاش گر معرفی می‌شود!"

چند خبر کوتاه

طبق بخشندامه شهرداری تهران، برای معاونین شهرداری مرکز، ماهیانه مبلغ ۲۰۰ هزار تومان و برای مدیران و شهرداران مناطق بیست کانه، ماهانه ۱۵۰ هزار تومان بعنوان حق مسکن در نظر گرفته شده است!

فرماندار ایرانشهر، نرخ رشد بیکاری درین شهرستان را براساس آمار سازمان برنامه و بودجه ۱۷/۵ درصد اعلام کرد اما او اضافه

کارگران و کارگاههای کوچک

به نقل از روزنامه کار و کارگر، طبق آخرین آمار و اطلاعات موجود، بیش از ۱۴ میلیون نفر فرد شاغل در قالب دو میلیون کارگاه در بخش های کشاورزی و صنعت و معدن و خدمات در کل کشور به کار اشتغال دارند و ۹۸ درصد این کارگاهها، کارگاههای کوچک یعنی کارگاههایی است که تعداد کارگران آن کمتر از ۲۰ نفر است. همچنین ۹۶ درصد از ۱۴ میلیون نفر فوق الذکر یعنی رقمی حدود یازده میلیون نفر از شاغلین و کارگران کشور، در کارگاههای کار می‌کنند که تعداد کارگران آن کمتر از ۲۰ نفر است.

حوادث ناشی از کار

به علت عدم رعایت ایمنی محیط کار از سوی سرمایه داران، همه روزه تعدادی از کارگران در حین کارگران خود را از دست می‌دهند و یا دچار صدمات شدید می‌شوند. در اواسط آذر ماه در اثر نشست نئواکسیدکربن و متان در تول شماره پنج معدن سنگرود لوشن، و مسدود شدن توغل، تعدادی از کارگران دچار مسمومیت گاز گرفتگی شدند. مقامات دولتی اعلام کردند که به علت گاز گرفتگی شدید، ۱۰ تن از کارگران به بیمارستان منتقل شدند. در این نامه از جمله رئیس جمهور نیز مورد خطاب قرار سرنوشت کارگرانی که به بیمارستان انتقال یافتند، اطلاعی در دست نیست.

چند روز بعد در کارخانه فیبر سازی بالسر نیز فاجعه دیگری رخ داد و به علت ترکیدن دیگ بخار درین کارخانه، در تیجه سوختگی شدید، سه تن از کارگران جان خود را از دست دادند و یک کارگر شدیداً زخمی شد. علت اتفاق، فشارزیاد بخار و کار نکردن سوپاپ اطمینان اعلام شد.

همچنین در اثربخشی دلخراش در یک کارگاه فلز در همدان، یک کارگر ناحیه گردان دچار شکستگی گردید و نخاع وی قطع شد. در اثر این حادثه دست چپ این کارگر نیز اسیب دید. این حادثه دست چپ این کارگر نیز اسیب دید. این حادثه هنگام کار بدرودی دستگاه کشش مقتول روی داد. طبق گزارش روزنامه کار و کارگر علت این حادثه عدم رعایت موارد ایمنی بوده است.

بیش از ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار

یک مقام مسئول وزارت کار با استناد به آمار سال ۷۷ اداره کل آمار و محاسبات سازمان ۷۰۰ کارگاه با ۵ میلیون و ۸۶۰ هزار کارگر در کشور فعالیت دارند که نزدیک به ۴۰۰ بازرس کار، امور مربوطه به قانون کار بویژه حفاظت و ایمنی را در این واحدهای تولیدی و صنعتی تحت کنترل خود قرار دارند وی این تعداد بازرس را ناکافی دانست و چنین اضافه کرد در طول برنامه سوم هزار نفر دیگر به آن اضافه خواهد شد. وی همچنین ادعای تعداد حادث ناشی از کار در ۸ سال گذشته از ۱۹ هزار و ۳۳۵ مورد به ۱۳ هزار و ۳۰۶ مورد کاهش یافته است.

اخباری از ایوان

نامه اعتراضی کارگران صنایع چوبی

کارگران صنایع چوبی بیش از یک سال و نیم است که همچنان در حالت بلا تکلیفی بسر می‌برند و با وجود آنکه بارها و در اشکال مختلفی دست به اعتراض زده اند، اما مسئولین مربوطه از پذیرش خواسته‌های کارگران سرباز زده‌اند. این کارگران، اخیراً نیز با ارسال یک پاداشت اعتراضی برای خانه کارگر و با اشاره به "بلا تکلیفی بیش از ۲۰ ماه و عدم دریافت حقوق و ندانن پاسخ مناسب" نسبت به بی توجهی مسئولین شرکت اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده‌اند.

نامه اعتراضی کارگران پالایشگاه اراک

۴۰۰ تن از کارگران و کارکنان قراردادی و پیمان کاری پالایشگاه اراک، با ارسال نامه ای به مطبوعات بسیت به مشکلات خود اعتراض کرده و خواستار تضمین شغلی خود شدند. در این نامه که از جمله رئیس جمهور نیز مورد خطاب قرار گرفته است، نسبت به تضییقات حقوق کارگران قراردادی از جمله به حساب نیاوردن سوابع خدمتی کارگران، عدم برخورداری کامل از بیمه خدمات درمانی و نظیر آن اعتراض شده است. کارگران در انتهای نامه خود خواستار استخدام رسمی شده‌اند.

کارگران نساجی بارش مدیرعامل و هیئت مدیره را بازداشت کردند

کارگران نساجی بارش که مدتی است دستمزد آنها به تعویق افتاده است، در اوائل دی ماه چند روز دست به اعتراض زدند. کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مزایای خود، مدیر عامل و هیئت مدیره کارخانه را دستگیر و زندانی کردند. نیروهای سرکوب رژیم برای آزاد کردن آنها مداخله نمودند. از نتیجه اعتراض کارگران اطلاعی در دست نیست.

چای جهان تعطیل شد

شرکت چای جهان وابسته به بنیاد مستضعفان تعطیل و کارگران آن از کاربیکار شدند. یکی از کارگران این شرکت در رابطه با اظهارات رئیس جدید بنیاد که گفته بود "من نه با تعطیل کارخانه ها موافق و نه تعديل نیروی انسانی" یاد داشتند. زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد را یاد آوری کرد. این کارگر که از این طریق دروغ رئیس بنیاد را فاش ساخته بود در یاد داشت خود نوشته است، "قسم حضرت عباس را باور نکنید یا مخدوس را؟"

کمیته‌های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

توقف قطارها در مجارستان

با به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدها در سال ۲۰۰۰، هزاران نفر از کارگران راه آهن دولتی مجارستان روز ۲۰ دسامبر دستمزد را به یک اعتراض ۹ ساعته زندن. در این روز حرکت قطارهای مسافربری داخلی و باری و قطارهای بین المللی بلکه متوقف شد. در حالی که کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۴ درصد هستند، مقامات دولت اعلام نمودند که دستمزدها تنها به میزان ۶ درصد افزایش خواهد یافت.

روز ۲۲ دسامبر بیش از ۱۰ هزار نفر از معنی‌پیمان مجارستان در اعتراض به طرح دولت این کشور تحت عنوان "بازسازی ساختار معادن" دست از کار کشیدند. کارگران اعلام نمودند که این طرح چیز دیگری جز نقشه دولت مبنی بر اخراج بیش از ۲ هزار نفر کارگر معدن به بهانه افزایش بارآوری نیست. بر اساس این طرح، چندین معدن ذغال سنگ در منطقه Oroszlány و Tatabanya تا سال ۲۰۰۴ تعطیل شده و به این ترتیب بیش از ۲۶ هزار نفر معدنچی کارخود را از دست داده و به صفوغ بیکاران این کشور پرتاب خواهند شد. کارگران اعلام نمودند که این طرحها و تشکیلات دولت تنها در راستی تلاشهای دولت سرمایه داران این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا قابل درک است. براساس شروط اتحادیه اروپا، کشورهای عضو این اتحادیه باید صنایع انرژی خود را به بخش خصوصی واکنار نموده و به این ترتیب حسن نیت خود را به سرمایه داران غربی نشان دهند.

۹ کارگر مهاجر در یونان توسط نیروهای دست راستی کشته و زخمی شدند

طی روزهای ۱۹ الی ۲۱ اکتبر، ۹ کارگر مهاجر مصربی، پاکستانی، بنگلادشی و غنائی مورد حمله نیروهای وابسته به یک گروه دست راستی قرار گرفتند. مهاجمین که درحالی محل کار کارگران، کمین کرده بودند، با اسلحه به آنها حمله ور شدند. در نتیجه این حملات وحشیانه ۲ کارگر به قتل رسیدند و ۷ تن دیگر مجروح شدند.

پلیس و دولت یونان درابتدا سعی در کتمان انجیزه راسیستی این حملات داشتند و این موارد را "درگیریهای شخصی" نامیدند. اما با پیکری گروه های مدافع کارگران مهاجر و تلاش بخش هائی از اتحادیه های کارگری، معلوم شد که مهاجمین که همگی نگهبان موسسات دولتی و رادیو تلویزیون یونان بوده اند، عضو یک گروه دست راستی اند که بنا به اعتراف دستگیر شدگان خواهان "تصفیه یونان از خارجیان" هستند.

بدنبال افشاء این مطلب، به دعوت اتحادیه های کارگری، تظاهراتی با شرکت بیش از ۵ هزار تن از کارگران در مقابل پارلمان این کشور برگزار شد. تظاهرکنندگان خواهان مجازات دستگیر شدگان و لغو کلیه قوانین ضد خارجی در این کشور شدند.

های کارگران راه آهن دولتی رومانی به بن بست رسید. در حالی که کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۷۰٪ و پرداخت پاداش سال نو هستند، مقامات دولت اعلام نمودند که تنها ۲۰ درصد به دستمزدهای کارگران افزوده شده و هیچ خبری هم از پاداش سال نو نخواهد بود. متعاقب این امر، مقامات دولت از کارگران خواستند که از برقایش مجدد اعتراض خودداری کنند. برغم این تهدیات آشکار، کارگران راه آهن "مجدا" روز ۱۱ دسامبر کارهای را تعطیل کرده و برخواست خود پاشاری نمودند. سرسختی و مقاومت یکپارچه کارگران، مقامات دولت را وادار نمود که شمشیر را از رو بسته و برای متوقف ساختن مبارزه کارگران، به مقامات قضائی متوجه شوند. به این ترتیب روز ۱۴ دسامبر، دادگاه کار رومانی اعتراض کارگران راه آهن را به بهانه "حفظات بخششی" هرگونه اعتراضی را تا ۴۵ روز از سوی کارگران مقابله آشکاربا دولت عنوان نمود و اعتراضیون را موظف نمود که مرچ سریعتر بسر کارهای خود باز گردند. هرچند روز ۱۵ دسامبر کارگران به زور به سرکارهای خود باز گشتند، اما هم زمان اعلام نمودند که این پایان مبارزه نبوده و اعتراضات خود را به اشكال مختلف تا تحقق خواسته های خود ادامه خواهد داد.

اعتصاب رانندگان کامیون در هند

در اعتراض به افزایش قیمت بنزین، هزاران تن از رانندگان کامیون در هند، از اوائل ماه نوامبر دست از کار کشیدند. اعتراضیون ضمن برقایی تظاهرات و تجمع در مقابل پارلمان این کشور خواهان کاهش بهای سوخت شدند. به علت مخالفت نخست وزیر هند با خواست اعتراضیون، رانندگان با اعتراض خود همچنان ادامه میدهند.

اعتصاب کارگران

صنایع نساجی در نیوجرسی

در اوخر نوامبر و به دنبال اخراج ۳ کارگری که علیه شرایط بهداشتی و ایمنی در محیط کار دست از کارگران این معدن مبنی بر تعطیل آن به بهانه "زیان دهی" انجام گرفت. در پایان این اعتراض مقامات دولت و نمایندگان کارگران مذاکرات خود با صاحبان این معدن را از سر گرفتند. از دیگر مشکلات هزاران کارگر در جمهوری چک یکی هم عدم پرداخت به موقع دستمزدها است.

در همین رابطه، روز ۲۱ دسامبر صدها نفر از کارگران چک دست از کار کشیدند و در مقابل پارلمان این کشور تجمع نمودند. در این روز کارگران خواستار دخالت دولت در هنگام ورشکستگی موسسات تولیدی شدند. اکنون مدت هاست که صاحبان موسسات تولیدی به بهانه ورشکستگی از پرداخت دستمزد های معوقه کارگران خودداری کرده و سودهای هنگفتی به جیب می زندن. به گفته اتحادیه های کارگری قریب به ۱۰۰ نفر کارگر بیش از ۶ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند.

احباق کارگری جهان

تحصن کارگران در کره جنوبی

روز ۲ دسامبر، صدها نفر از کارگران کره جنوبی در پاسخ به فراخوان "کنفرادیون اتحادیه های کارگری" KCTU، در مرکز شهر سئول دست به یک تحصن زدند. کارگران اعلام نمودند که تحصن خود را تا روز ۱۸ دسامبر ادامه می دهند. آنها خواسته های خود را به این شرح اعلام نمودند:

ـ توقف فوری خصوصی سازی نیروگاه های تولید برق؛

ـ توقف فوری واگذاری صدها بیمارستان دولتی به سرمایه داران خصوصی؛

ـ لغو قانون مجازات درمورد فعالین کارگری.

اما روز ۷ دسامبر، تحصن کارگران مورد یورش نیروهای پلیس این کشور قرار گرفت. در این حمله وحشیانه دهها نفر زخمی شده و تعداد زیادی از رهبران این حرکت بازداشت شدند. این اقدام سرکوبگرانه با خشم و ارزنجار و اعتراض هزاران نفر از کارگران سراسر کره جنوبی روبرو شد. در همین رابطه هزاران کارگر در پاسخ به فراخوان "کنفرادیون اتحادیه های کارگری" KCTU در روز ۱۱ دسامبر دست از کار کشیدند و درتظاهرات وسیعی که در شهر سئول برگزار شد، شرکت نمودند.

اعتراضات کارگری در جمهوری چک

روز ۲ دسامبر، ۱۸۰ نفر از معدنچیان معدن ذغال سنگ کوه نور واقع در شهر Most در شمال جمهوری چک، اعتراض ۴۲ ساعته خود را پایان داده و به سر کارهای خود باز گشتند. این اعتراض در اعتراض به تصمیم خود سرانه صاحبان این معدن مبنی بر تعطیل آن به بهانه "زیان دهی" انجام گرفت. در پایان این اعتراض مقامات دولت و نمایندگان کارگران مذاکرات خود با صاحبان این معدن را از سر گرفتند.

از دیگر مشکلات هزاران کارگر در جمهوری چک یکی هم عدم پرداخت به موقع دستمزدها است. در همین رابطه، روز ۲۱ دسامبر صدها نفر از کارگران چک دست از کار کشیدند و در مقابل پارلمان این کشور تجمع نمودند. در این روز کارگران خواستار دخالت دولت در هنگام ورشکستگی موسسات تولیدی شدند. اکنون مدت هاست که صاحبان موسسات تولیدی به بهانه ورشکستگی از پرداخت دستمزد های معوقه کارگران خودداری کرده و سودهای هنگفتی به جیب می زندن. به گفته اتحادیه های کارگری قریب به ۱۰۰ نفر کارگر بیش از ۶ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند.

ادامه اعتراض در رومانی

روز ۸ دسامبر مذاکرات مربوط به تعیین دستمزد



خبری از ایران

کرد که نرخ واقعی رشد بیکاری در این منطقه ۲۵ درصد است.

کارگران جوانی که مشغول حفرچاه بود، در اثر پوییدگی طناب به عمق ۷۰ متری چاهی واقع در مجیدیه شمالی سقوط کرد و جان خود را از دست داد. این کارگر که نیک محمد تاجیک نام داشت، تبعه افغانستان و ۲۱ ساله بود.

رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان، شرکت های تحت پوشش این بنیاد را ۳۴۷ واحد قید کرد و گفت تلاش داریم که آمار شرکتهای تحت پوشش را به کمتر از یکصد واحد کاهش دهیم! فی همچنین آماری در مورد جانبازان یعنی همان معلولین جنگی و وضعیت مسکن آنها ارائه داد و گفت از ۱۲۰ هزار جانباز، ۲۶ هزار نفر مشکل مسکن ندارند، ۵۲ هزار تن در حال ساخت مسکن هستند و ۲۲ هزار نفر قاد زمین و مسکن ندارند!

حقوق کارکنان کتابخانه عمومی استان قم پرداخت نمی شود

کارکنان کتابخانه عمومی استان قم می گویند که بیش از دو ماه است حقوق آنها پرداخت نشده است. کارکنان کتابخانه نسبت به تعویق افتادن حقوق شان معترض هستند و خواهان پرداخت هرچه سریعتر حقوق معوجه خود هستند. یکی از کارکنان می گوید حقوق ماهانه ما ۲۲ هزار تومان است که کافی زندگی ما را نمی دهد و همین حقوق ناچیز نیز پرداخت نمی شود.

افزایش قیمت ها

بنای گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، شاخص بهای عده فروشی کالاهای درآب آن ماه امسال نسبت به ماه مشابه آن در سال قبل ۲۶/۶ درصد افزایش داشت. این گزارش اضافه کرده است که بالارفت شاخص قیمت گوشت قرمز، ماهی شمال، لبیانیات، تخم مرغ، حبوبات، میوه ها و سبزی های تازه، انواع برنج داخلی، آرد گندم، روده سلامبو، آهن و فولاد، پروفیل آلومینیم، انواع لامپ و کلید و پریزو... بیشترین سهم را در ترقی شاخص بهای عده فروشی کالاهای داشته است.

سو استفاده ۲۱ میلیارد تومانی در شرکت ارج



کارگران نساجی طبرستان

یک بار دیگر به

راهپیمانی و تظاهرات متول شد

اطلاعیه

کارگران و زحمتکشان !
احزاب، سازمانها، نیروهای متقى و
تشکلهای کارگری!

طبق اخبار منتشره امروز دوشنبه ۲۹ آذر نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی به تجمع بزرگ اعتراضی کارگران در مقابل سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار در تهران و قم حمله کردند. تجمع بزرگ و سراسری کارگران در اعتراض به اخراج های دسته جمعی و قطع مقری بیمه های اجتماعی قرار بود در روز پانزدهم آذر برگزار گردد اما دولت خاتمه با اعلام ممنوعیت اعتصاب و تظاهرات کارگران، از این تجمع اعتراضی آنها جلوگیری کرده بود. امروز کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی که در آنها خواستار توقف اخراجها و پرداخت مقری بیمه های اجتماعی بودند در مقابل وزارت کار و سازمان بیمه های اجتماعی گردآمدند، اما دولت بجای پاسخگوئی به خواست های برحق کارگران، با اعزام نیروی مسلح، کارگران را رامپیمانی و تظاهرات، کارفرمایان را وادار نمودند که اخراج ها را متوقف سازند و حقوق و مزایای معوجه کارگران را پردازند. با این وجود سرمایه داران به وعده های خود عمل نکردن و برخی از مطالبات کارگران متحقق شد. لذا کارگران در چندین مورد دیگر با راهپیمانی و تظاهرات دست به اعتراض زدند. اما آنها باز هم به این توافق ها عمل نکردن و اعتراض اخیر کارگران نساجی طبرستان نیز به عدم اجرای این توافق است.

سرانجام قرار شد که بانک ملی به عنوان سهامدار عده این کارکنان ۸۰ درصد و سازمان تامین اجتماعی ۲۰ درصد باقیمانده دستمزدهای معوجه کارگران را پردازند. اما آنها باز هم به این توافق ها عمل نکردن و اعتراض اخیر کارگران نساجی طبرستان نیز به عدم اجرای این توافق است.

سرمایه داران و دولت آنها که سالها شیره جان کارگران را مکیده و سودهای هنگفتی به جیب زده اند، اکنون مدتی است که در کارخانه ها و مؤسسات مختلف به بهانه های واهی از پرداخت حقوق و مزایای کارگران سریز میزنند و مدام پرداخت دستمزد ها را به تعویق می اندازند. این در حالیست که کارگران آه در بساط ندارند و قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند. لذا در چندین ماه گذشته مکرر شاهد اعتراضات گسترده کارگری برای پرداخت حقوق و مزایای معوجه بوده ایم. کارگران با مبارزه و اعتراض خود در بسیاری از موارد سرمایه داران و دولت آنها را واداریه پذیرش مطالبات خود و پرداخت حقوق و مزایای معوجه کرده اند. کارگران نساجی طبرستان نیز مصمم اند تا تحقق کامل مطالبات خود به مبارزه و اعتراض ادامه دهند.

پیروز باد مبارزات متحد کارگران ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایوان
۱۳۷۸ آذر ماه ۲۹

کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران
است از:

سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - حزب کمونیست ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورائی
مرگ بر نظام سرمایه داری
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۸/۱۰/۶

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

«انتخابات» مجلس و «چپ» هائی که از انقلاب روی برمی‌تابند!

این است که خاتمی تافته جدا بافته ای از دیگرسران رژیم نیست. این خاتمی و جریان خاتمی نیست که موی دماغ خامنه ای و جناح اوست، اساس درجای دیگری است. مسئله این است که امروز توده های مردم ایران خواهان یک تحول جدی و بنیادی‌اند و می خواهند از وضعیت بغاایت‌وختامت بار سیاسی واقع‌سازی موجود رها شوند. مردم خواهان پایان دادن به وضع نکبت بار موجودند. مردم دیگر حکومت اسلامی را نمی خواهند و خطر واقعی را خامنه ای در اینجا می بینند و البته که خاتمی هم!

سوم و نتیجه گیری:

اکنون دیگر بایستی این مسئله روشن شده باشد که تاکتیک شرکت در انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی و حمایت ازیک جناح حکومتی، تاکتیکی است مطلقاً اندلال طلبانه که جز رواج توهم نسبت به مرتجلین و نظام حاکم، نتیجه دیگری در بر ندارد. سوای جناح های حکومتی و اپوزیسیون بورژوا "لیدرال"، باید گفت که این تاکتیک زیبینه کسانی است که آزادی و توسعه سیاسی را نیز از همان دید و دریچه سران حکومت اسلامی می نگردند و هم اکنون ضمن توصیه به بازی کردن در بساطی که بساطی نیست! استفاده از راههای انقلابی و در اساس انقلاب را که یگانه راه واقعی تحولات اساسی و تعالی جامعه است، آشکارا مذموم می شمارند و البته که با یک تاخیر فاز و تزلزل چندین ساله و طولانی، تازه قدم درجای پای اکثریت و حزب توده می گذارند و خلاصه به فعالیت محدود و تدریجی و گام به گام در چار چوب همین نظام و قانون اساسی حکومت اسلامی دل خوش کرده اند. این تاکتیک، تاکتیک فراریان از اردوی انقلاب است و فراریان از اردوی انقلاب وقتی که قرار باشد به حمایت از مرتجلین برخیزند، تجربه هم نشان داده است که بالآخر در میان آنان جناحها ویا افراد "ضد امپریالیست" و "میانه رو" و "اصلاح طلب" و یا طرفدار جامعه مدنی و توسعه سیاسی و "همسو" با مردم و حتی "رادیکال" نیز کشف می کنند. در این راه اگر لازم آید، نه فقط جبهه دوم خرداد، مدافعان آزادیهای سیاسی و آخرین خاتمی نیز "تلویحاً" نماینده جنبش آزادیخواهان مردم قلمداد می شود ، که حتی کاشف عمل می آید که در شخص رهبر و ولی فقیه فعلی هم "زمینه هماهنگی با خاتمی" در زمینه های فوق وجود دارد! کسیکه به انقلاب پشت میکند، بهررو باید پشت خود را به جائی تکیه دهد. کسیکه این حکم را صادر میکند که مردم آمادگی حاکمیت بر سرمنوشت خود را ندارند و به این بهانه فکر سرنگونی استبداد و رژیم حاکم را نیز از سر بیرون میکند و فی الواقع حکم بر ابقاء نظام حاکم می دهد، پس باید توجیهاتی نیز برای آن دست و پا کند!

بگذر میانه بازان و روشنفکران متزلزل و اپورتونیست که از انقلاب و پیروزی قطعی کارگران میترسند از خوف انقلاب و از خوف راه مستقیم، راههای غیر مستقیم، پرپیچ و خم و راه صلح و مصالحه را اختراع کنند و با شرکت در بازی های مسخره رژیم، خود را مضحكه کنند. تاکتیک های کمونیست ها اما ، معطوف به تقویت انحری انقلابی توده هاست . این تاکتیک می بایستی متنضم ارتقاء آگاهی توده های مردم زحمتشک باشد و عزم و آمادگی انقلابی طبقه کارگر را تقویت کند و بالآخره سراسر است ترین راه رسیدن به پیروزی کامل و قطعی کارگران و زحمتشکان را نشان دهد . کمونیست ها و چپ های واقعی بیدون کمترین تردیدی این انتخابات نمایشی را بایستی تحریم کنند و پیگیرانه از انقلاب و سرنگونی رژیم دفاع کنند. چرا که فقط از طریق یک انقلاب توده ای و سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی است که کارگران و زحمتشکان ، زنان ، جوانان و عموم توده های مردم می توانند از شر ارجاع و استبداد موجود خود را خلاص کنند و به وسیع ترین آزادیهای سیاسی دست پیدا کنند. چرا که " انقلاب لکوموتیو تاریخ است. انقلاب چشون ستمکشان و استثمارشوندگان است. توده مردم هیچگاه نمیتواند مانند زمان انقلاب آفریننده فعل نظمات اجتماعی نوین باشد. در این موقع چنانچه بخواهیم با معیار محدودی که خود بورژواها در مورد ترقیات بطئی و تدریجی بکار می بردند بسنجمیم، مردم قادر به اعجازند" (لین - دو تاکتیک سوسیال دمکراسی)

خاتمی به روندی که جناح مقابله در پیش گرفته است سخن می گویند. "صبح امروز" در همین زمینه از جمله چنین نوشته است، امروز دیگر با "سکوت" خاتمی همراه باشد، بلکه مسئله "تسلیم شدن او در برابر روند حوادث مورد نظر است"

حاده کوی داشگاه تهران و رویدادهای بعدی آن نیز صحت همین روند را تائید میکند. آقای خاتمی بعد از آنکه با صدور فرمان حمله به دانشجویان و اعتراض کنندگان ، "امنیت" نظام اسلامی را تامین کرد و مواضعش صد درصد مورد تائید و حمایت خامنه ای قرار گرفت، در جریان پیگردی های بعده بتوخالی اولین برهنۀ سپرده شد.

در این زمینه حداکثر کاری که خاتمی همین بود که بگوید از روند

پیگردی پیونده کوی داشگاه راضی نیست، همین ! روشن است که در این زمینه ها، این در واقع جناح رقیب خاتمی است که خاتمی را عقب نشانده و دست او را در پوست گردو گذاشته است. این مطلب در مورد بسیاری از مباحث و مسائل از قبیل قانونیت بخشیدن مکرر ناظارت استصوابی شورای نگهبان ، قانون مطبوعات ، مسائل مربوط به تعطیل روزنامه ها و نشریات و محاکمه مسئولین آن از جمله موسوی خوئینی ها و عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت، تمامان" موید تهاجم جناح خامنه‌ای است. اظهارات شخص خامنه‌ای چه دردفع از دادگاه ویژه روحانیت و چه در تأیید نظارت استصوابی شورای نگهبان و امثال آن ، تمامان" دال بر همین حقیقت و مبنی حمایت او از جناح بازار و رسالتی هاست. این در حالیست که هنوز هم اظهارات شدید الحن رئیس سابق قوه قضائیه و مصباح یزدی و در سراسر کشور انتشار می یابد.

در مورد این پیشگوئی نویسنده اتحاد کار رکه شورای نگهبان خواهد توانست کاندیداهای طرفدار خاتمی را حذف کند نیز باید گفت این موضوع را آینده بهتر نشان خواهد داد اما شکی نیست که ارگان شورای نگهبان طبق روال و عملکرد تاکنونی اش تا آنجا که بتواند در قضیه "انتخابات" به نفع جناح خامنه ای اعمال نفوذ خواهد کرد و به حذف کاندیداهای جناح مقابله و "غیرخودیها" خواهد پرداخت. عجالتاً هیئت های اجرایی قبل از آنکه کار به اعمال نفوذ شورای نگهبان و هیئت‌های ناظرات آن رسیده باشد، شماری از کاندیداهای این جناح را حذف کرده است و نوبت شورای نگهبان هم میرسد. بنابراین تا آنجا که "آشکارا" است، عجالتاً تصویری از عقب نشینی جناح خاتمی است در برای جناح خامنه‌ای و نه بر عکس و موضعگیری خامنه‌ای در قضیه کنکور در وقت ظهور را نیز حداکثر میتوان به توقف موقت حملات و پیشرویهای این جناح تعبیر کرد و عقب نشینی آن !

و بالآخره داستان برچیده نشدن اردوی دولت توسط خامنه ای هم، برخلاف آنچه که نویسنده ادعا می کند، ربطی به عقب نشینی خامنه ای ندارد . اولاً "جناح های حکومتی" از جمله جناح خامنه ای _ میدانند که بدون کمک یکدیگر نمی توانند همین وضعیت بی ثبات فعلی را هم ادامه دهند. از همین روست که آنها بحث خودی و غیرخودی را پیش کشیده‌اند تا "خودی ها" که بر سراسر اسلام و حکومت اسلامی و آرمانهای خمینی و رهبری خامنه‌ای توافق دارند، ایضاً "در سرکوب و محدودیت آزادی ها و تداوم نظام استثماری موجود دست در دست هم دارند ، متفقاً بساط "غیرخودیها" را برچینند! ثانیاً توانن قوا و مجموعه شرایط جامعه به تحوی نیست که خامنه ای بتواند به سادگی اردوی دولت را برچیند ! این قضیه قبل از هرچیز موجب ایجاد تنفس بیشتر در جامعه می شود و کل نظام را به خطر می اندازد و ثالثاً" معلوم نیست که چرا خامنه ای باید عذر شخص خاتمی را بخواهد و حکم عدم کفايت وی را از مجلس بگذراند؟ مگر خاتمی روزی صد بار از ولایت فقیه و رهبری خامنه‌ای تعریف و تمجید نمی کند؟ مگر او نمی خواهد قانون اساسی همین رژیم و لایت فقیه را مو به پیاده کند؟ مگر او پای بندی سفت و سخت خود را به موازین شرعی و اسلامی و حکومت دینی اعلام نکرده است؟ چرا خامنه‌ای باید با گذراندن عدم کفايت او از مجلس برای خود و نظامش در دست ایجاد کند؟ واقعیت

"تقویت کند" او در پاسخ سؤالات برخی از دانشجویان در مورد سرکوب جنبش دانشجویی، سرکوب و تعطیل مطبوعات، دادگاه و پژوهانیت، محاکمات دادگاههای رژیم، جزپر و پلاگوئی، پناه بردن به قانون اساسی و تائید آنها چینی تحويل دانشجویان نداد. سر انجام نیز از دانشجویان خواست که در برابر ناملایمات سکوت کنند و گفت "تقدیر خود را از همه دانشجویان با خاطرسکوتی که درسال جاری از خود نشان دادند اعلام میکنم" و ادامه داد که "این راه باید ادامه یابد." البته دانشجویان در همان جلسه، قوانین اجتماعی رژیم را به باد انتقاد گرفتند و با شعار علیه برخی از سران رژیم و ارگانهای آن پاسخ دیدند شکنی به وی دادند و با سؤال پیچ کردن وی ارجیفیش را به باد تمسخر گرفتند. این جلسه منجر به چنان افتضاحی برای خاتمی و دفتر تحکیم وحدت گردید، که فردای آن، روزنامه های طرفدار خاتمی نیز نارضایتی خود را از این سخراوی و پاسخ به سؤالات دانشجویان ابراز داشتند. یکی از این روزنامه ها کوشید که پرت و پلاگوئی خاتمی را به حساب جناب رقیب اش بگذارد و نوشت که آنها نمیگذارند وی حرف بزنده و دانشجویان را بسوی خود جلب نمایند. این ادعا، توجیه گری روزنامه های طرفدار خاتمی است. حرف های آقای خاتمی تمام شده است و او دیگر حرفی برای گفتن جزاین ندارد که با تمام قوا از جمهوری اسلامی و ارجاع اسلامی دفاع کند.

دو دادگاه در یک زمان

در یک رژیم خود کامه نظیر جمهوری اسلامی، جائی که دیکتاتوری عربیان و سرکوب آشکار حاکم است و ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی مردم لگد مال شده است، دستگاه قضائی مظہر تام و تمام بی عدالتی، تبعیض و سرکوب به عربانترین و خشن ترین شکل آن است. این همان دستگاهی است که تا کنون دهها هزار تن از مردم ایران را صرف" بخاطر مخالفت با جمهوری اسلامی به اعدام یا حبس های طولانی مدت محکوم کرده است. در اوآخر آذرماه امسال نیز مردم ایران شاهد یکی از رسواترین احکام این دستگاه زور و ستمگری بودند. یکی از شعب دادگاه های تهران در یک محکمه فرمایشی چند نوجوان کم سن و سال را بدون این که از حق داشتن وکیل برخوردار باشند، در یک نشست و برخاست چند ساعته محکوم نمود. اتهام این نوجوانان که سن آنها بین ۱۲ تا ۱۷ سال بود، قتل فرمانده پیگاه بسیج یک مسجد اعلام شده بود. ماجرا از این قرار گرفته که دو تن از مددگران بسیجی یک جوان ۱۳ ساله را به این بهانه که روزه خواری کرده است، در خیابان تک می زنند. کمی بعد این نوجوان با چند تن از هم سن وسالهای خود به سراغ بسیجی ها می آید و طی زد و خوردی که میان آنها در میگیرد یکی از مددگران بسیجی با ضربه چاقو به قتل می رسد. در پی این ماجرا

نماید و به سؤالات دانشجویان در مورد مسائل مختلف کشور پاسخ دهد. تحکیم وحدتی ها از سازماندهی این مراسم و دعوت از خاتمی. هدف سیاسی مشخصی را دنبال می کردند. پس از آن که در جریان جنبش دانشجویی تیرماه، خاتمی فرمان سرکوب قهری این جنبش را صادر نمود، توهمندی که در میان گروهی از دانشجویان نسبت به این مرجع وجود داشت، فرو ریخت و تقریباً همه فهمیدند که او نیز مرجعی از قماش دیگر سران حکومت اسلامی است و در سرکوبگری و ارجاع دست کمی از دیگران ندارد. حالا دفتر تحکیم وحدت می خواست با سازماندهی این مراسم، جناب رئیس جمهور بار دیگر دست به عوامگری به بیان و با حرفلای "شنسنگ" در مورد "آزادی" "اصلاحات" "جامعه مدنی" "دانشجویان عزیز" و "ملت شریف" زمینه را برای توهم پراکنی های جدید دفتر تحکیم وحدت فراهم سازد. اما گویا نفهمیده بودند که دوران این حرفلای دیگر سپری شده است و نه تنها گوش شنواری در میان مردم نسبت به این فرمایشات آقای خاتمی وجود ندارد، بلکه خود وی نیز حالا دیگر با زبان دیگری سخن می گوید. لذا شرکت آقای خاتمی در مراسمی بدین منظور در ۲۱ آذرماه در دانشگاه علم و صنعت برگزار گردید به جای این که به ابزار تبلیغاتی و توهم پراکنی دفتر تحکیم وحدت تبدیل شود، مایه شرمساری آنهاشد.

خاتمی در سخن رانی خود گفت "دینی که ما از آن سخن میگوئیم دینی است که حقوق و حاکمیت مردم را به رسمیت می شناسد و حاصل آن جمهوری اسلامی است که در قانون اساسی آن متبول شده است". و ادامه داد که "کام انقلاب در دنیا مانند انقلاب اسلامی ایران توانسته است نهادهای مدنی و دمکراتیک خود را لین گونه تقویت کند؟"

آقای خاتمی که تا چند پیش از استبداد سخن می گفت و از آزادی مردم و نیاز به ایجاد جامعه مدنی دم میزد، حالا که دوران توهم پراکنی به پایان رسیده تعارضات را کنار میگذارد و بی پرده و صریح جمهوری اسلامی را عین آزادی معرفی می نماید. او می گوید دینی که ما از آن سخن می گوئیم حاکمیت مردم را به رسمت می شناسد، و حاصل آن همین جمهوری اسلامی حی و حاضر است که در قانون اساسی آن متبول شده است. پس از این قرارهای دین و همین جمهوری اسلامی است که تا به امروز حقوق و حاکمیت مردم را به رسمیت شناخته است!! رژیمی که تمام آزادی ها و حقوق دمکراتیک مردم را لگد مال کرده است، رژیمی که حق حاکمیت مردم را برسرونشست خود از آنها سلب نموده و حاکمیت را به خدا و نهادگان او ببروی زمین سپرده معرفی میشود. او به تعریف و تمجید از قانون اساسی حکومتی می پردازد که در بند بند آن استبداد موج میزند. در بند آن حقوق مردم و آزادیهای آنها لگد مال شده است. در بند بند آن حق حاکمیت مردم برسرونشست شان از آنها سلب شده است. خاتمی پارا از این نیز فراتر مینهاد و ادعا میکند که در هیچ کجا دنیا هم نمی توان یک جامعه مدنی کامل و شسته و رفته همانند "جامعه مدنی" موجود در ایران پیدا کرد. هیچ اتفاقی هم در دنیا توانسته است نهادهای مدنی و دمکراتیک خود را "مانند انقلاب اسلامی ایران"

کسی جوابگو نیست

ورژیم شان را از مخصوصه نجات دهن، اما مسئله قتل های سیاسی وزارت اطلاعات، به چنان مسئله ای در جامعه تبدیل شده است که به سادگی نمی توانند آنرا مختصه اعلام کنند. سالهای است که دستگاه امنیتی و حاسوسی حکومت اسلامی موسوم به وزارت اطلاعات به کشتار و سرکوب مردم ایران ادامه میدهد. در این سالهای سیاه دهها هزار تن از مخالفین حکومت اسلامی توسط این دستگاه به جوخداری اعدام سپرده شده اند و لاقل صدها تن بی سروصدا و بشکلی مرموز به قتل رسیده اند.

ماجرای قتل های پی در پی سال گذشته، در شرایطی که عموم مردم انگشت اتهام را به سوی وزارت اطلاعات نشاند گرفتند و تضادهای درونی رژیم نیز در این خود بود، سران رژیم رانگری بر ساخت که به این کشتار مخالفین توسط وزارت اطلاعات اعتراف کنند. معهدا آنها کوشیدند برای تبرئه رژیم و وزارت اطلاعات آنرا اقدامی خودسرانه ارزشی گروه کوچکی از مامورین وزارت اطلاعات نهادهای معرفی نمایند و در عین حال آنرا محدود به دستگیری سه، چهار نفر نمایند. آنها کمی بعد ماجرا خودگشی یکی از مهدهای اصلی پرونده راسازمان دادند تا بدین طریق سرخها را قطع کنند. اما فشار افکار عمومی این امکان را به رژیم نداد و قضیه شکل پیچیده تری بخود گرفت. کم کم حتی در برخی از روزنامه ها این مسئله مطرح شد که سعید امامی از چه کسی دستور می گرفته است. مردم آشکارا خواهان معرفی آمرین قتلها شدند. قضیه اکنون تا آنجا پیش رفته است که همه خواهان دستگیری و زیر اطلاعات پیشین و رئیس سعید امامی یعنی فلاخیان شده اند. او نیز عنوان نمود که اگر قرار است پاسخ داده شود، من با رئیسم پاسخ خواهیم داد. منظور این بود که رفسنجانی در جریان تبهکاری های وزارت اطلاعات بوده و او باید جوابگو باشد. در همین حال برادر محمد خاتمی و از سران جبهه مشارکت عنوان نمود که قضیه قتل های زنجیره ای محدود به چهار نفر نیست و حداقل ۶۸ نفر در چند سال گذشته توسط ماموران وزارت اطلاعات کشته شده اند. بنابرانی روشن است، پروندهای که تا بدان حد بیخ پیدا کرده که پای سران حکومت اسلامی مستقیماً به میان کشیده شده است، به سادگی نمیتواند حل شود و یا برآن سرپوش گذارده شود. از همین روست که هریک از جناح ها و ارگانهای رژیم میگوشند، مسئولیت این پرونده را بر عهده دیگری بگذارند و از ماجرا این پرونده اظهاربی اطلاعی کنند.

آقای رئیس جمهور حروفی برای گفتن نداشت

دفتر تحکیم وحدت، تشكل دانشجویی وابسته بدولت، از رئیس جمهور حکومت اسلامی دعوت نمود که به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو در مراسمی که بدین منظور برگزار میگردد شرکت

خبری از ایران

سرمایه‌داران و مدیران در بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات، چندین ماه است که دستمزد و اغلب مزایای کارگران را پرداخت نمی‌کنند و اغلب مدعاً هستند که کارخانه با زیان و ضرر رو بروست. اما سرمایه‌داران و مدیران آنها دروغ می‌گویند، نه تنها سودهای کلان به جیب می‌زنند، بلکه دست به سو استفاده‌های کلان نیز می‌زنند. اخیراً "روزنامه‌های رژیم اعلام کردند که مدیر عامل و چند عضو هیئت مدیره شرکت ارج به اتهام ۲۱ میلیارد تومان سو استفاده‌هایی باز داشت شده‌اند.

شورای عالی امنیت ملی آمار مربوط به طلاق را محروم‌های اعلام کرد

بعلت معضلات عمیق اقتصادی، فقر، گرسنگی، بیکاری و مقررات و قوانین ارتقای حقوق اسلامی که زنان را از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم نموده اند و ازدواج‌ها اغلب برخلاف خواست و تقابل زنان انجام می‌گیرند، آمار طلاق در ایران سال به سال در ابعاد وسیعی درحال افزایش است. آمار سالانه طلاق در سالهای اخیر چنان رشد نموده که شورای عالی امنیت ملی برای سرپوش کذاردن برابع طلاق که یکی دیگر از جلوه‌های سیاست‌های ارتقای جمهوری اسلامی و خانواده‌ای است که دفاع آن می‌باشد، این آمار را محروم‌های اعلام نمود.

طبق اخبار جسته و گریخته‌ای که در روزنامه‌های رژیم انتشار یافته است، در سال ۹۰، ۷۷ هزار متفاضل طلاق به دادگاه مراجعه کرده اند و از سال ۷۲ تا به امروز هرساله دوهزار مورد بر میزان طلاق افزوده شده است. در شش ماه نخست امسال میزان طلاق، ۱۸/۵۲ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش یافت.

زندان خصوصی در فردیس کرج

روزنامه‌های رژیم خبر دادند که یک بازداشت کا خصوصی در فردیس کرج کشف شد که چند نفر از افغان‌های در آن زندانی بودند. مقامات دولتی می‌گویند "این باند گروگان‌گیر، افغانی هائی را که غیر مجاز وارد کشور می‌شند به محل مورد نظر منتقل کرده و پس از زندانی کردن آنها از خانواده‌ها، اقوام یا افغانی‌های دیگر درقبال آزادی آنها ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان دریافت می‌کردند". مقامات دولتی توضیح ندادند که این گروگان‌گیر هائی که زندان خصوصی دائز کرده بودند وابسته به کدام یک از دستگاه‌های پلیسی و سرکوب رژیم بوده اند. چرا که روش است تنها ماموران دولتی می‌توانند کسانی را که "غیرمجاز وارد کشور می‌شوند" شناسائی و دستگیر کنند و برای اخاذی آنها را به زندان خصوصی شان منتقل سازند.

ودزدی‌های کلان زده است. درنقل و انتقال آثار عتیقه از ایران به خارج از کشور دست داشته و غیره. اما پس از دستگیری وی، شاکیان متعددی پیدا کرده و پرونده او از این محدوده فراتر رفته است. حالا وی به اتهام سرقت، خروج میراث فرهنگی، کلاه برداری، تجاوز و اعمال خلاف عفت، محکمه می‌شود. در دو مین جلسه محکمه وی، دهها نفر که از دستگیری و محکمه وی مطلع شده بودند، به عنوان شاکی و شاهد در دادگاه حضور یافتدند و از اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه وی از جمله بازداشت مردم، زندانی کردن آنها به مدت چندین سال، شکنجه و قتل چند نفر پرده برداشتند. از جمله فردی که مدتی کوتاه پس از انقلاب در این کمیته عضو بوده است، گفت که وی شاهد و ناظر بوده است که اسماں تبع زن یک راننده نیسان را به قتل رسانده است. او همچنین توضیح داد که این جنایتکار سه دختر را نیز به قتل رسانده است. افراد دیگری که مورد ضرب و شتم، شکنجه و بازداشت قرار گرفتند نیز در این دادگاه شهادت دادند. اما رئیس دادگاه که گویا به عنوان وکیل مدافعان اسماں تبع زن عمل می‌کرد، در پاسخ به عضو سابق کمیته که در مورد قتل های وی سخن گفت، انتساب قتل به وی را بی اساس دانست وی همچنین در پاسخ به شاکیانی که از زندانی شدن خود توسط رئیس سابق گروه ضربت کمیته سخن گفتند، چنین عنوان نمود: "افتخاری آنقدر قدرت نداشته که در نظام مقدس جمهوری اسلامی و با وجود رهبر کبیر انقلاب کسی را بیگانه ده سال زندان بیاندازد". ایشان سپس ادعای کردند که جرم او فقط این است که "از عنوان و جایگاه خود در کمیته سو استفاده کرده است". بعد از این سخنان رئیس دادگاه نوبت به یکی از همکاران اسماں تبع زن که خود را عضو وزارت اطلاعات معرفی نمود، رسید که ضمن دفاع از عملکرد کمیته، مردم را مقصیر اعلام نمود و خطاب به شاکیان گفت: "شما باید خودتان را سرزنش کنید که برای رسیدن به امیالتان و کسب منابع مالی به تصور این که این شخص با بزرگان کشور عکس گرفته و آشنایی‌های داشته به امتولسل شده‌اید". تازه پس از این سخنان مامور وزارت اطلاعات شاکیان متوجه شدند که چیزی هم به اسماں تبع زن و وزارت اطلاعات بدھکار شده‌اند!!

سرانجام جلسه دادگاه با این اظهار امیدواری رئیس دادگاه خاتمه یافت که "اسماعیل افتخاری با قبول اتهامات (البهه همان حمل و نقل آثار عتیقه به خارج از کشور) خود توبه کند". و لابد به خیر و خوش آزاد شود. این است ماهیت دستگاه قضائی جمهوری اسلامی. دریک دادگاه. یک جنایتکار، قاتل، شکنجه گر، دزد، لات و چاقوکش، رئیس گروه ضربت کمیته منطقه ۱۲، از اتهامات اصلی تبرئه می‌شود و بعدم احتمالاً" با یک توبه آزاد می‌گردد و در دادگاه دیگری دو نوجوان ۱۷ و ۱۳ ساله به اعدام و ۱۵ سال حبس و شلاق محکوم می‌شوند.

دو دادگاه در یک زمان

خامنه‌ای شخصاً "دستور رسیدگی سریع به پرونده و مجازات متهمن را صادر نمود. در مدتی کمتر از یک هفته دادگاهی تشکیل می‌شود، بدون این که حتی به والدین این جوانان کم سن و سال اجازه داده شود که در دادگاه حضور یابند و یا برای فرزندان خود وکیل بگیرند. در همان جلسه نخست دادگاه یکی از متهمنین در حالی که تنها ۱۷ سال داشت باعدام محکوم می‌شود و نوجوان ۱۳ ساله را نیز به ۱۵ سال حبس و ضربات شلاق محکوم می‌کند و محکمه ۳ نیز دیگر را تأسیکری فرد چهارم به تعویق می‌اندازند. چند روز بعد دیوانعالی کشور نیز احکام را تائید می‌کند.

این وحشی گری رژیم و دستگاه قضائی آن که حکم اعدام یک نوجوان ۱۷ ساله را حتی برخلاف مقررات و قوانین ارتقای خود صادر می‌کند، حاکی از مقاومت و اعتراض مردم علیه ارکانهای سرکوب است. این واقعیت برهمگان روشن است که فشارهای و ستم‌های ارگانهای متعدد سرکوب و جاسوسی رژیم جان مردم را به لب رسانده است. دسته جات متعدد سرکوب به انحل مختلف، مردم را در خیابانها، محلات، محل کار و حتی در خانه خود تحت فشار و سرکوب قرار می‌دهند. این اقدامات سرکوبگرانه رژیم، انجام و نفرت عمیقی را در میان مردم نسبت به دستگاه های سرکوب برانگیخته است. اخیراً در چند مردم اقدامات سرکوبگرانه نیروهای انتظامی و بسیج، واکنش بحق مردم را در پی داشته و طی چند ماه اخیر چند بسیجی به قتل مردم به قتل رسیده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی که با این موج فزاینده مقاومت و مقابله مردم روپرورست، در این خیال باطل به سر می‌برد که با تشدید سرکوب و اقدامات وحشیانه نظیر محکوم کردن جوانان کم سن و سال به اعدام، مردم را مرعوب سازد و جلو اقدامات متقابل مردم علیه مزدوران سرکوبگرش را بگیرد. اما این وحشی‌گری ها بیش از پیش رژیم را رسوا و مردم را مقاوم تر خواهد ساخت. البته کشتن این یا آن مزدورحتی اگر انگیزه سیاسی هم داشته باشد، چیزی را تغییر نخواهد داد. کل رژیم را باید سرنگون کرد و آنهم با یک مبارزه توهدای ویک جنبش توهدای. با این وجود وقتی که مردم معمولی بسیجیان مزدور را به قتل میرسانند، فقط یک چیزرا شسان میدهند، خشم انبیا شده مردم علیه رژیم. اما در حالی که این دادگاه در جریان بود، دریکی دیگر از شعبات دادگاه‌های تهران محکمه دیگری هم در جریان بود که آنهم از زاویه دیگری رسوا کننده رژیم و دستگاه قضائی آن بود. این محکمه مربوط به یکی دیگر از مزدوران سرکوبگر رژیم به نام اسماعیل افتخاری موسوم به اسماں تبع زن، رئیس سابق گروه ضربت کمیته منطقه ۱۲ بود که گویا با وزارت اطلاعات نیز همکاری داشته، و با سران رژیم نیز ارتباطاتی داشته است. وی ظاهراً به این علت دستگیر شده است که با استفاده از موقعیت خود دست به سو استفاده ها



یادداشت‌های سیاسی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

I.S.V.W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M.A.M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A.A.A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

P.B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

اطویش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

هلند

کسی جواب‌گو نیست

گویا به زیان جناح خاتمی است و علاوه بر این وزارت اطلاعات نیز با بخش آن مخالف است. وزارت اطلاعات مدعی است که پخش این فیلم به زیان "امنیت ملی" است و وزارت اطلاعات را بد نام می‌کند. در واقع وزارت اطلاعات، خواهان حذف بخش‌هایی از این اعترافات تا آنجاست که قضیبه وزارت اطلاعات ربط پیدا نکند و درنهایت چیزی فراتر از همان "محفل" چند نفره "خودسر" دراعترافات مطرح نشود. دقیقاً معلوم نیست که در فیلم اعترافات چه مسائلی مطرح شده که گروهی از طرفداران محمد خاتمی می‌گویند، این فیلم با نگرش جناحی تهیه شده و متهمن در سلول‌های انفرادی اعترافاتی داشته اند که تحت فشار از آنها گرفته شده است. اختلاف جناحها وارگانها و نهاد‌های رژیم برسر پرونده قتل‌های زنجیره ای و فیلم تهیه شده به چنان مرحله‌ای رسید که برای حل اختلاف و سازش، سران سه قوه به همراه رئیس مجمع تشخیص مصلحت، جلسه‌ای در حضور خانمه ای تشکیل دادند. در اینجا تصمیم گرفته شد که "روسای قوای مجریه و قضائیه به اتفاق موضوع را بیگردی کند و با نظرهای دو آنها این تفاوت دیدگاه حل شود". در پی این نشست، دبیر خانه شورای عالی امنیت ملی، کمیته‌ای تشکیل داد که اعضاء آن عمدتاً از طرفداران خاتمی تشکیل شده بودند. اکثریت اعضاء این کمیته پس از مشاهده فیلم اعترافات، نظر دادند که بخش‌هایی از این فیلم "علیه امنیت ملی" است و در برخی موارد مغایر منافع وزارت اطلاعات است. از این رو تصمیم گرفته شد که یک فیلم جدید تهیه شود و این بخش از اعترافات حذف شوند. برغم این که هر دو جناح هیئت حاکم با کشف حقیقت مخالف اند و در تلاش اند به نحوی خود

در صفحه ۱۴

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 333 jan 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت سورائی